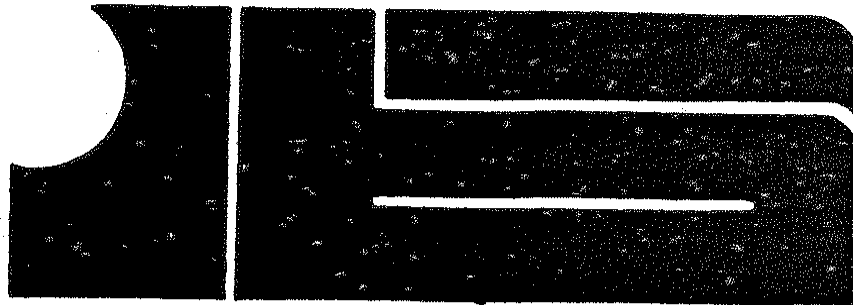


با تمام توان خود مساهمت  
ارتجاعی جنگ را افشاء و با  
مقاومت مسلحانه خود از منافع  
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۲۲ آبانماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۴

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

● سرمقاله

بحران امپریالیسم  
و انتخابات آمریکا

با گذشت چهار سال از انتخابات  
پیشین آمریکا که منجر به روی کار  
آمدن کارتر شد، یکبار دیگر بازی  
"دمکراسی بورژوازی" در آمریکا تکرار  
شد و این بار بجای کارتر ریگان  
بجای حزب دمکرات، حزب جمهوریخواه  
زمان امورا در چهار سال آینده در  
دست گرفت.

واقعیتی است انکارناپذیر که در  
جوامع سرمایه داری یعنی در جوامعی  
که اقلیتی محدود و بیگانه در دست داشتن  
وسائل تولید، بزرگترین عظیم جامعه  
حکومت می کنند، دمکراسی رنگ و لعاب  
است که از طریق آن دیکتاتوری طبقه  
سرمایه دار اعمال می شود. حتی در  
"دمکراتیک" ترین کشورهای سرمایه  
داری دمکراسی مفهومی جز اعمال  
دیکتاتوری طبقه حاکم ندارد. در جوامع  
سرمایه داری در نهایت امر طبقه حاکم  
این حق را برای مردم قائل می شود که  
در هر چند سال یکبار خود را انتخاب کنند  
که طبقه حاکم از طریق کدام احزاب  
نمایندگان خود و با چه نامی مردم  
حکومت کند، و آنها را سرکوب نماید.  
در آمریکا نیز که حکومت دلار و سرمایه  
اعمال می شود وضع بر همین منوال  
است. "دمکراسی" آمریکائی نیز از این  
حق را برای مردم قائل شده است که  
هر چهار سال یکبار بیای صد و قهاری  
بروند تا معین کنند که کدام یک از  
نمایندگان انحصارات و از کدام حزب  
طی چهار سال بر توده ها ستم کند، نام  
دمکراسی، دیکتاتوری طبقه حاکم را  
اعمال نماید و منافع انحصارات  
آمریکائی را در سطح ملی و جهانی  
نامین کند.

تمام عبارت پردازیهای بی محتوای  
نظریه پردازان بورژوازی و مدافعین  
سیستم سرمایه داری، بیامسون  
"دمکراسی" در آمریکا و "برتری" و  
"دمکرات منشی" حزب دمکرات بیسر  
جمهوریخواه چیزی جز فریب توده های  
زحمتکش نیست. واقعیت ایست که  
احزاب دمکرات و جمهوریخواه هر دو  
بیکسان سرمایه را نمایندگی می کنند و  
بقیه در صفحه ۲

جنگ و تشدید تضادهای  
درونی هیئت حاکمه

در شهریورماه امسال، زمانی که سال  
تعیین نخست وزیر و کابینه میان آمد،  
تضادهای دو فرانسوی اصلی حاکم، اسرائیلی  
و حزب جمهوری اسلامی نمودی بارز است  
سی صدر محو است با انتخابات نخست وزیر  
و اعضای کابینه از میان اسرائیلیها  
حداقل افراد غیر حزبی، نفوذ خود و

نا توانی حاکمیت کنونی در حل بحران  
اقتصادی، پس از گذشت قریب سه یکسال  
ونه ماه از قیام بهمن ماه و تشدید بحران  
سیاسی، تضادهای درونی هیئت حاکمه  
را بطور دم افزونی شدت و حدت بخشیده  
است. تضاد و رقابت بین اسرائیلیها و  
حزب جمهوری اسلامی برای کسب قدرت  
و موقعیت برتر در ارگانهای دولتی هر روز  
اشکال حادثی بخود میگیرد.

بقیه در صفحه ۱۴

آیت الله خمینی، موضع  
فرماندهان ارتش را تقویت  
می کند

آیت الله خمینی در روز ۲۱ آبانماه سخنرانی مفصلی  
انجام داد که بررسی آن نکات بسیاری را روشن  
می نماید. این سخنرانی که در حضور "وعظاظ"  
گویندگان و خطبای مذهبی "به سرکردگی فلسفی  
آخوند درباری و دعاگوی شاه و مبلغ فعلی جمهوری  
اسلامی انجام گرفت، از آن جهت که در برگیرنده  
نظرات آیت الله خمینی در مورد جنگ است  
می باشد حائز اهمیت است. رئیس کلی این سخنرانی  
را میتوان بسکلی زیر بررسی نمود:

۱- آیت الله خمینی در سخنرانی خود با نقل بخشی  
جزئی از سرکوبهای دوران سنگین پهلوی و کتمان بخش  
دیگری از این فشار و سرکوب سعی دارد اینطور قلمداد  
کند که در تمامی این دوران تنها مخالفان سرسخت  
امپریالیسم و رژیم سلطنتی، روحانیان  
بوده اند و پس آیت الله خمینی بشکلی عمدی چشم  
خود را بر روی واقعیات می بندد بقیه در صفحه ۴

لایحه واگذاری زمین  
به دهقانان  
هنوز در مرحله اجرا  
در جامی زند

آیت الله ربانی سررازی عضو  
شورای تنظیمان چندی پیش طی اطلاعیه ای  
مطرح کرد که در شرایط کنونی برای  
جلوگیری از تشدید اختلافات دهقانان  
و مالکین زمین، لایحه واگذاری زمین  
معمور مانند در این اطلاعیه آمده است:  
امام امت با وجود نه موضعیت کنونی و  
جلوگیری از تضاد و اختلاف دست  
نرموده اند که بطور موقت مسئله  
واگذاری زمین منوط شود... و کسانی  
که سال قبل روی زمین کشت کرده اند  
بقیه در صفحه ۸

سرکوب و اختناق  
به بهانه  
مبارزه ضد امپریالیستی

صفحه ۵

در این شماره:

● اخبار کارگری

● اخبار جنگ خوزستان

● اتحاد فدایتانمند کارگران ارج

● اخراج معلمان انقلابی و مبارز

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
بهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

### بحران امپریالیسم...

بقیماز صفحه ۱

با اذعان منافع انحصارات آمریکائی هستند. قدرت واقعی در دست انحصارات امپریالیستی است و دیکتاتورهای انحصارات امپریالیستی اعمال می‌شود.

اساساً در کشورهای سرمایه‌داری، دموکراسی هیچ مفهومی بجز اعمال دیکتاتوری طبقه حاکم ندارد، اما شیوه‌های اعمال این دیکتاتوری در هر موقعیتی بسته به شرایط مبارزه طبقاتی، موقعیت طبقه حاکم و وضعیت جهانی، متفاوت است، و تاکتیکهای گوناگونی برای اعمال این سلطه برگزیده می‌شود.

در شرایط معینی اعمال دیکتاتوری طبقه حاکم اساساً با توسل به تاکتیکهای قهر و سرکوب و در شرایط دیگر از طریق انجام رفرمها، دادن امتیازات و خلاصه تاکتیک قریب و تحمیق توده‌ها اعمال می‌شود.

سرمایه‌داری جهانی مدت‌هاست که دچار گندیدگی و فساد شده و هر روز در بحران عظیم ترومنجلاپی کثیف‌تر فرومی‌رود و ارتجاع سیاسی خصوصیت بارز آن شده است. در چنین شرایطی دیگر صحبت از دموکراسی بورژوازی به تمام معنی حرفی بچ است.

بنابراین در آمریکا نیز آنچه که اعمال می‌شود، همانا دیکتاتوری سرمایه‌داری انحصاریست. بورژوازی انحصاری آمریکا با حفظ سلطه خود در آمریکا و در کشورهای تحت سلطه، از تمامی وسائل موجود اعمال زور و فشار قهر و سرکوب استفاده می‌کند، تا سلطه ستمگران و غارتگران خود را اعمال کند. اما در همان حال برای فریب توده‌ها و تحمیق آنها هنگامی که تاکتیک قهر و سرکوب به تنهایی کارائی لازم را ندارد به تاکتیک رفرم و فریب متوسل می‌شود.

ورسالت اجرای این تاکتیک را به آن نمایندگان خود واگذار می‌کند که در اجرای آن خیره‌ترند. از همین روست که هنگامیکه امپریالیسم آمریکا در یک بحران اقتصادی و سیاسی فرو رفته است و شکستهای پی در پی آن در سطح جهانی بی ثمر بودن تاکتیکهای کهنه آن را با ثبات میرساند، کارتر بنام "حقوق بشر!"، "بنام انسانیت!" بنام "دموکراسی!" و حل بحران اقتصادی با تاکتیکهای جدید قدم به میدان می‌گذارد تا با توسل به رفرم و فریب توده‌های آمریکا و خلقهای تحت ستم سراسر جهان، چهار رساله دیگر حکومت سرمایه‌داران جهانی را تداوم بخشد. اما بحران اقتصادی و سیاسی امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا ژرف‌تر از آن بود که این تاکتیکها قادر به حل آن باشد. کارتر زمانی در مقام ریاست جمهوری آمریکا قرار گرفت که سراسر اردوگاه امپریالیسم در یک بحران فزاینده‌ای گرفتار

آمده بود. شکست‌های پی‌پی عظیم‌ترین قدرت نظامی اردوگاه امپریالیسم در هندوچین، بویژه شکست مفتضحانه آن از خلق قهرمان ویتنام، مسدود بحران درونی امپریالیسم را تشدید می‌کرد. انحطاط روزافزون اردوگاه امپریالیستی، از هم‌گسیختن اقتصاد آن، مزمن شدن بحرانهای مازاد تولید، رشد روزافزون بیکاری، گرانی، افزایش بار مالیاتها و هزینه‌های کمر شکن دیگر بردوش توده‌ها، در زمره مسائلی بود که کارتر نمی‌توانست با تاکتیکهای خود بداند آنها را بجا بیاورد. او نه‌اونه هیچ‌کس دیگری قادر نیست بود سیستمی را که اینچنین دچار پوسیدگی و گندیدگی شده است نجات بخشد، او نمی‌توانست بر بحران اقتصادی و سیاسی اردوگاه امپریالیسم فائق آید، او نتوانست مانعی بر سر راه گسترش جنبش‌های رهاشی بخش خلقهای تحت ستم پدید آورد و از تنزل خفت ستم امپریالیسم آمریکا در مقام سرکرده اردوگاه امپریالیسم جلوگیری کند. او نتوانست بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا، گرانی، بیکاری و هزاران دردی در میان جامعه سرمایه‌داری آمریکا را حل کند بنا بر این طبیعی بود که نتواند برای مدت چهار سال دیگر در مقام ریاست جمهوری آمریکا انحصارات آمریکائی را نمایندگی کند. همانگونه که انتخاب کارتر از حزب دمکرات و تاکتیکهای او بازتاب بحران امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا بود شکست او در انتخابات اخیر نیز بازتاب تشدید این بحران است. این بار بورژوازی انحصاری آمریکا وظیفه دفاع از منافع سرمایه‌داری جهانی و حل بحران امپریالیسم را به حزب جمهوریخواه و نماینده آن ریگان سپرد. تا او با توسل به شیوه‌ها و تاکتیکهای دیگری این وظیفه را با انجام برساند. ریگان با احتمال قوی با توسل به تاکتیکهای خشن‌تر برای نجات سرمایه‌داری جهانی اقدام خواهد کرد. اما این امر بهیچوجه دال بر آن نیست که حزب دمکرات "آزادخواه" است و حزب جمهوریخواه "سرکوبگر" هر دو این احزاب بسته به شرایط معین یکی از تاکتیکهای اعمال قهر یا فریب و رفرم متوسل می‌شوند، هر دو این احزاب علیه توده‌های آمریکائی و خلقهای تحت ستم جهان به قهر و عیان گسیخته و عریان متوسل می‌شوند، کندی "دمکرات" آغاز جنگ و گشتار خلق قهرمان ویتنام می‌شود، همان‌نند جمهوریخواهان برای تامین منافع انحصارات امپریالیستی، ارتجاعی‌ترین رژیمها را برای سرکوب توده‌ها در کشورهای تحت سلطه و وابسته تقویت می‌کنند و در زمان دیگر این وظیفه به جمهوریخواهان واگذار می‌شود. البته اینکه کدام حزب، دمکرات یا جمهوریخواه حاکم باشد نمیتواند منافع انحصارات معینی پیش از انحصارات دیگر تامین کرده، اما

این امر بهیچوجه در ماهیت سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه این احزاب تغییری پدید نمی‌آورد. هر دو این احزاب از منافع سرمایه‌داری بطور کلی و از منافع انحصارات آمریکائی و سرکردگی آنها در اردوگاه امپریالیسم بطور خاص دفاع می‌کنند.

در شرایط سلطه سرمایه‌داری انحصاری بر آمریکا هیچ رئیس جمهوری نمیتواند، بدون تأیید، حمایت و پشتیبانی انحصارات مختلف آمریکائی، پلانتهای جنوبی، پستانگون و سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) سرکار آید و از این رو باید دقیقاً محری سیاستهای آنها باشد.

انتخاب ریگان از حزب جمهوریخواه بریاست جمهوری آمریکا که نشاندهنده ناتوانی دمکراتها و تاکتیکهای کارتر در حل بحرانهای امپریالیسم آمریکا است، توسل به شیوه‌های خشن ترو قهر عیان گسیخته را بویژه در رابطه با خلقهای تحت ستم کشورهای تحت سلطه بدینال دارد.

از همین دیدگاه است که ریگان در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود شدیداً جنبش مقاومت خلق فلسطین را مورد حمله قرار میدهد و آنرا یک جنبش تروریستی میخواند. حال بگذریم از اینکه سردمدار تروریسم بین‌المللی خود امپریالیسم آمریکا و بویژه در منطقه خاور میانه، ضهیونیسیم است نه جنبش خلق فلسطین که یک جنبش رهاشی بخش خلقی است. یک چنین برخورد خصمانه‌ای از جانب نماینده انحصارات امپریالیستی آمریکا، بیانگر موضع و تاکتیکهای خشن آنها در چهار سال آینده نسبت به خلقهای تحت ستم، جنبشهای رهاشی بخش و کشورهای سوسیالیستی است. میتوان از هم‌اکنون پیش‌بینی کرد که توسل به چنین شیوه‌هایی که از شیوه‌های شناخته شده امپریالیسم است نه تنها ذره‌ای به نجات امپریالیسم از منجلاب بحران اقتصادی و سیاسی ژرف شونده کمک نخواهد کرد بلکه در آینده ما شاهد تشدید بحرانها و واچ‌گیری و رشد جنبشهای رهاشی بخش و گسترش اشکال تهر آمیز آن هستیم. هر آنچه که امپریالیسم آمریکائی برای سرکوب خلقهای جهان به شیوه‌های قهر آمیز و سرکوب عیان گسیخته متوسل شود، قهر انقلابی خلقهای تحت ستم کشورهای تحت سلطه نیرومندتر از همیشه پا سخ قهر ضد انقلابی آنرا خواهد داد.

در ایران، انتخاب ریگان تغییری در موضع حکومت جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی جاسوسان آمریکائی پدید نخواهد آورد بلکه در آینده تلاش خواهد کرد که گام‌های تازه‌ای بسوی نزدیکی با امپریالیسم بزند. اما بعلمت بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران، گسترش نارضایتی توده‌ها، تضادهای درونی هیئت حاکمه و احتیاجات توسل امپریالیسم آمریکا برای حل قهر آمیز این بحران بحران روابط جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا همچنان ادامه خواهد یافت.

## پیش‌بسیوی تشکیل حزب طبقه کارگر

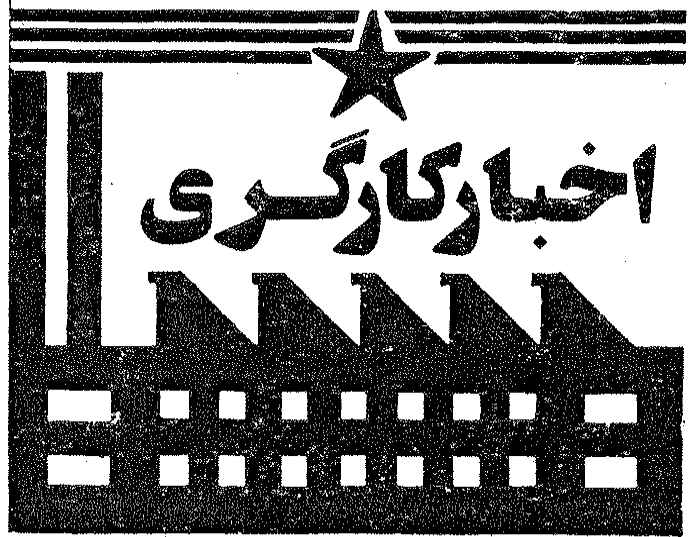


# کارفرما را پرداخت حقوق کارگران در کارخانه بوتان اعزامی به جبهه خودداری کرد

جریاناتی که هر روز اتفاق می افتد همه گویای این واقعیتند که سرمایه داران از جنگ علیه زحمتکشان استفاده می کنند. از دیاد ساعات کار، اضافه کاری بدون حقوق، پرداختن حقوق و مزایا و غیره، دیگر به شیوه های معمول و متداولی برای چپاول وغارت کارگران بدل شده است. هرچه جنگ طولانی تر میشود وقاحت هم شدت می یابد و سرمایه داران بطور آشکارتری دشمنی خود را با کارگران نشان میدهند. نمونه ای از این گونه سودپرستی ها، در کارخانه بوتان پیش آمد. در این کارخانه کارفرما از پرداخت

هرچه جنگ طولانی تر میشود و هرچه کارگران با رمضات جنگ را بیشتر بر دوش های خود احساس می کنند، بیشتر به این حقیقت پی میبرند که جنگ نه تنها ذره ای منافع آنها را تامین نخواهد کرد، بلکه فشا رگرانی، کمبود و فقر را برایشان بیشتر خواهد کرد. هرچه جنگ طولانی تر میشود و هرچه فشا سرمایه داران برای بهره کشی از کارگران بیشتر میشود، آنها بیش از پیش به این واقعیت میرسند که از جنگ تنها سرمایه داران سود میبرند. واقعیتی که اپورتونیست ها و سازشکارانی نظیر "کمیته مرکزی" هنوز هم از درک آن عاجز مانده اند.

بقیه در صفحه ۴



## کارگران پروژه ای فلور می گویند : ما پالایشگاه را ساخته ایم خودمان هم باید در آن کار کنیم !

کارگران شرکت فلور که مدت هاییکار بودند پس از تیم با مراجعات مکرر به اداره کار اصفهان نوسپردن تعهد خدمت چهار ماهه نتوانستند در ساختمان پالایشگاه اصفهان بکار مشغول شوند. کارگران شورائی متشکل از پنج نفر بنام پندگی ۲۰۰ نفر انتخاب کردند. با رفتن کارشناسان خارجی در جریان قیام کارسا ختمان پالایشگاه متوقف ماند اما کارگران پروژه ای بکار ادامه دادند و ساختمان پالایشگاه را با تمام رسانند و پالایشگاه مشغول کار شد.

معین فردر با ز دیدنی که از پالایشگاه اصفهان کرد کارگران را تهدید به اخراج کرد ولی با مقاومت آنها و شورایشان رو برو شد. کارگران مانند راجح مسلم خود میدادند و میگفتند ما پالایشگاه را ساخته و بکار انداخته ایم، خودمان هم باید در آن کار کنیم.

اواسط مهر یکروز نیروهای ارتش مانع ورود کارگران به پالایشگاه میشوند. فرمانده آنها میگوید "ما از بالادستور داریم که از ورود شما جلوگیری کنیم". پس از چهار ساعت کارگران موفق میشوند ارتشی ها را کتار زده و بداخل بروند. روز پنجشنبه ۱۷ مهر وقتی کارگران خواستند شرکت را ترک کنند نما بنده شرکت نفت "پورحیدری" سخنرانی کرد و گفت غده ای از شما باید به قسمت پخش بروید. کارگران با این حرف اعتراض کردند و جلسه خاتمه یافت. اما روز شنبه سپاه پاسداران به کمک ارتش آمد و از نیمه راه جلوی کارگران را گرفت کارگران مقاومت میکنند و یکی از افراد سپاه جمله معروف را تکرار میکند که "شما ضد انقلابی هستید"، شما

بقیه در صفحه ۱۱

## کارگران کارخانه بافکار حیله مدیر عامل را خنثی کردند

کارگران این کارخانه، بشرط برقراری کنترل  
کارگری، اضافکار برای جنگ را پذیرفتند اما  
مدیر عامل از "خیر" کمک به جنگ زدگان گذشت!

حنکی که برای کارگران و زحمتکشان ما چیزی جز خانه خرابی، گرانی و فقر بیارنخواهد آورد، برای سرمایه داران برکت و نعمت می آورد. آنها با انواع بهانه ها میکوشند از این آب گل آلود ماهی بگیرند. هر روز به بهانه جنگ خاموشی و کمک به جنگ زدگان به نوعی کارگران را می چابند. با نوع دوستی قلبی خود در قالب کمک به جنگ زدگان هر روز کارگران را بیشتر استثماری میکنند. با تعریف و تمجید از آنها بخاطر کار و تولید بیشتر تنها جیب خود را پر میسازند. ساعات کار را افزایش میدهند، اضافه کاری مجانی درست می کنند، حقوق زوزانه کارگران را به حساب جنگ زدگان میگذارند و به هر راهی یک حیل به بهره کشی از کارگران را افزایش میدهند.

اما کارگران کارخانه بافکار ثابت کردند که جنگ و کمک به جنگ زدگان بهانه ای بیش نیست. آنچه در پشت این نیت بظاهر خیرخواهانه نهفته است کار و تولید بیشتر است. چیزی که هست جنگ مجوز قانونی بدست آنها داده است تا آشکارا به چپاول

بقیه در صفحه ۱۱

## مبارزات کارگران ایران گلف و هم دستی کمیته و وزارت کار

روزنامه جمهوری اسلامی - چهارشنبه ۲۴ آبان - طی گفتگویی با کارگران شرکت ایران گلف مجبور به افشای واقعیات بسیاری گردیده است. در ابتدای این مصاحبه یکی از کارگران شرکت مزبور میگوید: پس از تشکیل شورا و تشویق کارگران به افزایش تولید حدود ۱۵ درصد تولید افزایش یافت اما کارگران بزودی دریافته اند که همچون گذشته کار و تلاششان روانه جیب صاحبان کارخانه می شود.

شرکت ایران گلف خصوصی و سازنده رادیاتور شرفا زو، منبع فولادی آب است. قیمت رادیاتور شرفا از قبل از قیام تاکنون از متری ۸۴ تومان به ۱۷۵ تومان افزایش یافته یعنی بیش از صد درصد بر قیمت ها افزوده شده است. کارفرما در مقابل افزایش هر متر ۹۱ تومان به قیمت ها به کارگران قول داد، که متری ۹ تومان به آنها بدهد! و تازه آنها بنا به اظهار همان کارگر بد رستی اجرا نمیشود.

این واقعیت نشان میدهد تا زمانیکه سرمایه داری حاکم بوده و سرمایه داران برجا مع حکومت میکنند و مالکیت کارخانه ها در دست آنهاست، شعار "افزایش تولید" توسط شوراها، یعنی پرکردن جیب سرمایه داران، و این امر را کارگران خود در عمل بخوبی دری می یابند.

بقیه در صفحه ۱۱

# کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی

# آیت الله خمینی، مواضع فرماندهان ارتش را تقویت می کند

بقیه از صفحه ۱  
وحشیانه رضا خان جلاد در رابطه با کمونیستها و سایر نیروهای مترقی از جمله غیرقانونی کردن "هر گونه مراسم اشتراکی" سرکوب "حزب کمونیست ایران" دستگیری و سرکوب گروه ۵۳ نفره... بر نظر آیت الله خمینی جایبی ندارد. کشتار بی رحمانه شاه جلاد در رابطه با کمونیستها و نیروهای مترقی دیگر، اعدام روزه ها، وارطان ها، جزئی ها، رضایی ها، احمدزاده ها و رشادت های ایمن فرزندان دلیر خلق در جنگ در خیمان شاه، وحشت می پایان رژیم از مبارزات مسلحانه نیروهای انقلابی همه اینها کتمان می شود فقط مبارزات روحانیون و سرکوب آنان بشکلی بسیار عمد مطرح می گردد، تعامی این ها به این خاطر است که مبارد یگر بتواند برای مدت بیشتری توهمات خود را در ذهن خود بماند. آیت الله خمینی می خواهد با سخنان خود، با موج بسیار وسیع و شدید "ضد آخوندی" که توده هارا فرا گرفته مبارزه کند.

در اینجا وظیفه کمونیستها و نیروهای ترقیخواه پس خطیر است. از سویی لیبرالها و نمایندگان مزدوران حمارات جهانی سعی دارند با تکیه بر نارضایتی شدید توده ها و با تکیه بر اینکه توده ها خواستهای خود را بتدریج بر باد رفته می بینند، به موج ضد آخوندی دامن زنند و در این رابطه خود را تطهیر نمایند آنها میخواهند با دامن زدن به این توهم که همه تقصیرها بگردن آخوندها ست زمینه را برای قدرت گیری خود و باز سازی هر چه سریعتر سیستم وابستگی آماده سازند و از سوی دیگر آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی نیز سعی دارند تمامی روحانیت را بهر شکل ممکن و با تکیه بر توهمات و اعتقادات مذهبی توده ها تطهیر نمایند در این میان کمونیستها و سایر نیروهای مترقی وظیفه دارند به توده ها توضیح دهند که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی بطلت حمایت از منافع بورژوازی است که بخواستهای آنان پاسخ نمی دهد و آنرا سرکوب می نماید. باید به توده ها توضیح داد که آخوند بودن در عین حال که در برگیرنده ی منافع خاصی است اما نقش تعیین کننده را در پایداری نمودن خواستهای توده ها و اتحاد سیاسی آنها ضد ظلمی و سرکوبگرانه، نه آخوند بودن بلکه حمایت از منافع سرمایه داران و حفظ و تحکیم روابط سرمایه داری و وابسته ایفا می نماید.

۲ - آیت الله خمینی نیز چون سایر اعضای هیئت حاکمه قبال جنگ اتحاد نمود که رئیس آنرا میتوان در چند خطهای بصورت تمام و کمال یافت:  
"از جنگ مردم خسته نشوند. جنگ یک چیز خوبی است." "یکبار چها ایران دوباره انقلاب کرد و توجه کرد به یک مقصد سرتاسری ایران، کدام کار ممکن بود که این طور مردم را بسیج کند، این جنگ بود که بسیج کرد." "آن رخوت و سستی، آنرا پیدایمی شد دو باره برگشت به فرضی و محکمی." "جهاد کثرتی از اینست که کشاورز و پیشان را تقویت کنند. امسال شنید ما که بعضی ها سستی می کنند و این برخلاف مسیر اسلام است."

این سخنان را بارها و بارها از زبان سایر سران جمهوری اسلامی نیز شنیده ایم و همانطور که بارها گفته ایم این موضع گیری تنها در خدمت سرمایه داران و منافع آنان است و بس. تنها از نظر سرمایه داران و حامیان منافع آنان جنگ خوب است و "بسیار" پر خیر و برکت است زیرا آنها با استفاده از موفقیت جنگی می خواهند به اختلافات و تفرقه ها (بخوان تضادهای رشد یافته بین کارگرو سرمایه دار و یابین کشاورز و زمیندار) پایان داده، بارش دادن گرایش ناسیونالیستی "ملت را یکپارچه" کنند و آن سستی و رخوت "بخوان سستی و رخوت اعتقادات مردم نسبت به حاکمیت" را که پیدا شده بود "دوباره به "قرصی و محکمی" (یعنی دامن زدن به شونیسیم و رشد توهمات توده ها نسبت به حاکمیت) بدل سازند و در نتیجه این اعمال است که می توان صراحتا از کارگران و کشاورزان خواست که بدون هیچگونه چشمداشتی تولید را بالا ببرند، جان بکنند در راه "میهن و اسلام" و "دین و آئین" و اگر در این راه جیب سرمایه داران هم پر شود چه بهتر و اگر هم جان نکنند و حق خود را مطالبه نمایند مسلما غیر شرعی است و "خلاف مسیر اسلام است".

۳ - مهمترین موضعگیری آیت الله خمینی در این سخنرانی تهریح این مساله بود که غیر متخصصین نباید در کارهای تخصصی دخالت کنند: "کسانی که اطلاع نظامی ندارند نباید در کارهای نظامی دخالت کنند این مثل اینست که ما بگوئیم فلان سرهنگ نباید و بخواهد بگوید که فقط ما اینطور می بینیم... ما که از نظام اطلاع نداریم نباید اظهار نظر بکنیم... هر کسی که اطلاع ندارد یک چیزی را نمی فهمد برنامه ندهد تضعیف نکند روحیه سربازهای ما را".

آیت الله خمینی باین موضع گیری خود مشخصا دست جناح بنی صدر - فلاحی را باز نهاد تا کنترل کامل خود را بر جنگ اعمال کنند. مسلما واقعیت شکست های بی دری در جنگ و پیش روی های عراق در این تصمیم گیری تا تاثیر بسزایی داشته است و بخصوص که بنی صدر تمام سعی خود را نمود تا همه اشکالاتی را نیز که عمدتاً بطلت خیانت و سرسپردگی سران آریامهری ارتش، وجود تشنت و نا هماهنگی در ارتش و عدم قدرت بکارگیری سلاحهای موجود می باشد بگردن حزب جمهوری اسلامی و سایر "مکتبونها" بیندازد.

آیت الله خمینی بعد از قیام درست در هنگامی که خلق کرد به وحشیانه ترین شکل توسط ارتش و پاسداران کشتار میگشت و انقلابیون و مبارزین بسیاری در زندانها بسر می بردند، ساواکی ها وعده بسیاری از سران مزدور و سرسپرد هارتش را مشمول عفو نمود تا هیئت حاکمه بتواند با کمک آنان سیستم ضربه خورد هارتش را به سریعترین صورتی باز سازی نماید. وی با کشف شبکه های کودتا در ارتش که توسط همین عناصر سازمان داده شده بود در سخنرانی خود مطرح نمود که "این کار بر خطا واقع شد" اما اینک پس از مدت کوتاهی، تما می فرماندهان مزدور ارتش اعم از اخراجی، باز نشسته، باز خرید شده و تعداد بسیاری از ارتشیان زندانی (حتی آنان که در رابطه با کودتا دستگیر شدند) با عزت و احترام تمام به سر

کار خود برگشته اند تا به "میهن اسلامی" خدمت کنند. اینک بار دیگر تمامی افرادی که عفو شان "بر خطا واقع شده" بود به همراه سایر تیمسارهای آریامهری در راس ارتش قرار گرفتند و آیت الله خمینی نیز در عین تا بید این عمل با سخنرانی اخیر خود عملا قدرت بی حد و حصری بر ابهت همین مزدور و سرسپردگان تفویض نمود. بهر صورت این موضع گیری آیت الله خمینی هر چه بیشتر مزین را برای باز سازی سریعتر و قدرت گیری هر چه بیشتر ارتش و سران مزدورش مهیا می کند و امتیاز مثبتی بسوی بنی صدر و سران آریامهری ارتش می باشد. گرچه پورتونیستها و در راس آنان "کمیته مرکزی" ممکن است این سخنان آیت الله خمینی و همچنین عمل آزاد نمودن گروگانها را حیل بر "چرخشی نوین" در مواضع خرده بورژوازی کنند و بگویند که "این چپ روها چه توقعاتی از خرده بورژوازی دارند. آنها نمی دانند که خرده بورژوازی دو گانه است و هوئی دو پاشنه می چرخد. آنها نمی دانند که خرده بورژوازی در مبارزه مضامین امپریالیستی ناپسند است" ولی بسرعتی صد چندان آنکه حنای حاکمیت در مقابل توده ها رنگ می بازد فریب و نیرنگهای پورتونیستها نیز روشن و افشاء می گردد. و هر روز پیش از پیش ثابت می شود که حاکمیت بورژوازی جمهوری اسلامی تنها روی یک پاشنه می چرخد و نهم منافع سرمایه داران استم این پورتونیسم است که بر روی هزار پاشنه می چرخد و هر روز برنگی در می آید.

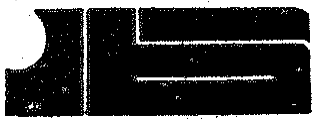
## در کارخانه بوتان

### کارفرما از پرداخت حقوق...

بقیه از صفحه ۲  
حقوق کارگران اعزامی به جبهه جنگ خوداری کرد. ما چرا از این قرار بود که در اوایل آبان ماه ۲۰ نفر از کارگران این کارخانه که عازم جبهه بودند به کارخانه آمدند تا ضمن خدا حافظی حقوق ماهیانه خود را نیز دریافت دارند. آنها ۲۰ روز دوره آموزشی را گذرانده بودند و پس از پایان این مدت ۳ روزه آنها مهلت داده شده بود تا به کارهای شخصی شان رسیدگی کنند و سپس به جبهه اعزام شوند، طبق قرار قبلی میبایست حقوق ماهیانه آنها پرداخت میگردد اما کارفرما دستور داده بود فقط روزها شیرا که در کارخانه سرکار حاضر شده اند بپردازند. این کارگران در آخرین لحظات رفتن به جبهه بخوبی دریافتند که:

آنها از جان خود گذشته اند اما ملکا فرما از حقوق آنها نمی گذرد. چند نفر از آنها وقتی وضع را بدین صورت دیدند تقاضای وام کردند اما این تقاضا نیز پذیرفته نشد. زیرا کارفرما امید می نداشت که آنها بازگردند و بتوانند دوباره برایش کار کنند. بهر حال آنها به جبهه اعزام شدند، آنها به میدان جنگ رفتند، جنگی که جز خانه خرابی و سرگردانی و فشار بیشتر چیزی عاید آنها و خانواده شان نخواهد کرد. اما کارفرما مانند سالهای با زهم بیشتری صدها انسان هم چون آنها را بزنجیر استمنا ربکشد و شییره جان شان را از الوصفیت بمکد.

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلق های ایران هستند



# سرکوب و اختناق به بهانه مبارزه با امپریالیسم

دولت‌های بورژوازی همواره از موقعیت جنگی در جهت سرکوب و یا به انحراف کشاندن هر چه بیشتر مبارزات توده‌ها و در رأس آن مبارزه هر چه شدیدتر با نیروهای مترقی سود می‌برند. ما از همان ابتدای تشدید جنگ بین دولت‌های ایران و عراق این مسأله را بارها متذکر شدیم که یکی از "خبروبرکت" های ایران جنگ برای سرمایه داران و دولت حامی آنان تشدید جو اختناق، سانسور و فشار در جهت سرکوب مبارزات توده‌ها (یعنی مبارزه ای بمعنای واقعی ضد امپریالیستی دمکراتیک) خواهد بود.

اینک هر روز شاهدیم که چگونه ارگان‌های سرکوب دولتی با یورش‌های وحشیانه مبارزات خود بر ضد نیروهای مترقی را تشدید نموده‌اند. شاهدیم که چگونه تعداد معدود روزنامه‌های مترقی باقیمانده ممنوع اعلام میشود. حاکمیت با استفاده از موقعیت جنگی و به بهانه جلوگیری از شایعه پراکنی و تفرقه و... نشریاتی چون فریادگودشتین و بازوی انقلاب را بدنیال ممنوع نمودن سایر نشریات ممنوع اعلام میکند. هیئت حاکمه فراموش کرده است که در زمان شاه انقلابیون جان برکف فدائیان و مجاهدین، مجوزی برای چاپ نشریه و یا پخش اعلامیه نداشتند ولی هیچگاه صدایشان در گلسو نماند و سرکوب‌های وحشیانه رژیم آریا مهری نیز نتوانست ارتباطشان را با توده‌ها قطع نماید چه رسد باین زمان که در اثر اوج گیری و تعمیق مبارزات خلق‌های تحت ستم ایران، در هر کوی و بوئین در هر کارخانه و روستا، در هر مدرسه و دانشگاه، فدائیان و مجاهدین بسیاری به فعالیت انقلابی مشغولند. در روزهای اخیر خیابان‌های شهرها شاهد وحشیانه‌ترین تعرضات به انقلابیون از سوی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است. هر میدان و هر چهارراه در روزهای اخیر شاهد وحشیانه‌ترین حملات به نیروهای انقلابی است که به جرم فروش نشریه مورد ضرب و شتم و دستگیری واقع شده‌اند. در میدان امام حسین پس جوانی که در قبال دستگیری خود به افشاگری پرداخته بود شدت با مشت و لگد و قنطاری تفنگ مضروب و سپس با وجود اعتراض مردم دستگیر شد. در خیابان تاج تقاطع بهبودی دختر مبارزی توسط پاسداران شدت مضروب و مجروح گشت که با حمایت بی‌دریغ مردم موفق به فرار شد. در میدان تجریش پاسداران اسلامی لباس را برتن دختری که در مقابل دستگیری مقاومت میکرد پاره کردند و سپس او را بدرون ماشین...

کشیدند. صدها نمونه از این حملات وحشیانه در هفته‌های اخیر در شهرها انجام گرفته است. چماق بدستان مزدور و پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه ۲۴ آبان به جمع دانش آموزان در مقابل اداره آموزش و پرورش شیراز حمله بردند و عده‌ای را به شدت مضروب و مجروح کردند. در حمله ای که در هفته گذشته به تشییع جنازه رفیق شهیدی در رشت صورت گرفت بسیاری از تشییع کنندگان حتی با چاقو و دشنه مضروب شدند روز ۲۵ آبان پاسداران در آریا شهر بطرف پای جوانی که اعلامیه پخش کرده بود رگبار بستند. در تمامی این موارد مردم بوسیله اعتراض، جلوگیری و در مواردی مقابل شدت تنفر خود را از این اعمال سرکوبگرانه نشان میدهند.

هر روز شاهدیم که دولت جمهوری اسلامی در لواء مبارزه ضد امپریالیستی از هرگونه حرکت جمعی توده‌ها جلوگیری نموده سعی در از هم پاشیدن کوچکترین شکل توده‌ای دارند. شورا‌های خودجوش محلی توسط کمیته‌ها، مساجد و روحانیون محل غیرقانونی اعلام می‌شوند در مدارس پس از آنهمه تفتیش عقاید، اخراج معلمان مترقی، تعهدگیری از دانش آموزان و... اینک حتی از ورزش دسته جمعی که توسط خود دانش آموزان سازمان داده شود بشدت جلوگیری می‌شود. حاکمیت کینه از هرگونه تجمع، تماس و تشکل توده‌ها و عشت مرگ دارد با توسل به کینه‌ترین و عقب افتاده‌ترین حيله‌ها می‌خواهد جلوی این اعمال را بگیرد. نمونه بارز این اعمال تفتیش کیف دختران دانش آموز به بهانه وجود لوازم آرایشی غیرقانونی نامیدن شورا‌های محلی که توسط خود مردم سازمان یافته‌اند به بهانه رخنه ضد انقلاب! (بیانیه وزارت کشور) و یا بستن دروغ و تهمت و افترا به نیروهای مترقی است. هیئت حاکمه نیروهای مبارز و مترقی را ضد انقلاب و ستون پنجم و وابسته می‌خواند (مثلاً) سپاه پاسداران شیراز در بیانیه شماره ۸۷ خود می‌نویسد: "ستون پنجم دشمن زیر پوشش گروه‌های وابسته و خائن همچون پیکار، وحدت انقلابی، چریک‌های فدائی خلق و منافقین و غیره... بخای تحریک در مدارس و اماکن عمومی دارند سپاه پاسداران... اعلام میدارد میحض مشاهده اینگونه افراد آنها را دستگیر و نه دادگاه انقلاب زمان جنگ تحویل خواهد داد... و اخطار میکند از هرگونه راهپیمایی و تحصن...

جلوگیری می‌شود. جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۵ آبان) هیئت حاکمه ترسان از رشد نیروهای انقلابی و مبارزات توده‌ها به تمامی این حرکات متوسل شده و نمی‌داند که با این اعمال خود را رسوا می‌سازد. هیئت حاکمه فراموش کرده که شاه نیز مبارزان را ضد انقلاب - خرابکار - ستون پنجم فارچی - ارتجاع سبز و مزدور احبسی می‌خواند، دیگر گوش توده‌ها از این حرف‌ها پراست، آنها بدرستی درک میکنند که چه کسانی در کنار و برای آنان مبارزم می‌کنند و چه کسانی به سرکوب مبارزات آنان می‌پردازند.

حکام جمهوری اسلامی با بهانه کردن موقعیت جنگی به سرکوب بی‌امان پرداخته‌اند. آنها نه تنها پخش کنندگان اعلامیه بلکه اعلامیه گیرندگان را نیز دستگیر میکنند. آنها هرکسی را که مخالف با آنان صحبت کند شایعه پراکن و ضد انقلاب و ستون پنجم می‌نامند. مردی حدود ۳۵ ساله که در پشت وانت بار سوار شده بود به تلقی میگفت "هیچ چیز در مملکت پیدا نمی‌شود اگر هم هست خیلی گران است و با در آمد ما جور در نمی‌آید. حالا هم که جنگ شده و گرانفروشی جواز رسمی پیدا کرده تا بیایی حرف بزنی می‌گویند جنگ است اگر هم اضافه بگویی به جرم شایعه پراکنی دستگیر می‌کنند" و یا راننده جوان تاکسی در جواب مردی که از او می‌پرسید "نظر شما درباره جنگ و این حرف‌ها چیست" با لبخندی تمسخر آمیز سر تکان داد و گفت راستش آقا ما راننده‌های تاکسی حق نداریم حرف بزیم اگر چیزی بگوئیم به عنوان شایعه ساز ما را می‌گیرند ما فقط حق داریم به حرف‌های مردم گوش بدهیم و اصلاً اظهار نظر نکنیم. همین چند روز پیش چندتا از همکاران ما را دستگیر کردند.

هیئت حاکمه فکر میکند فرضاً با تهدید و ارباب رانندگان تاکسی و با دستگیری آنان میتوان جلوی بحث در اماکن عمومی و سرویس‌های شهری را بگیرد. تصور می‌کند با بستن دانشگاه‌ها میتواند جلوی رشد نیروهای انقلابی را سد نماید. همه این اعمال به این خاطر است که مرتجعین از تاریخ درس نمی‌گیرند. کوردلان فراموش کرده‌اند که حکومت نظامی از هاری جلاد نیز نتوانست جلوی رشد مبارزات توده‌ها را سد نماید.



## پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلق‌های ایران

# مبارزه پیگیر کارگران کمپیدرو تبریز موجب آزادی همکار مبارز آنان شد

مبارزه پیگیر کارگران کمپیدرو (حمیری) به خیال خود دو کارگر را با اتهامات واهی تنبیه کرد. یکی را احراج دائم و دیگری را بیخ روز از کارخانه اخراج کرد. از همان لحظه که مدیرعامل به چنین حرکت ضد کارگری منادرت ورزید کارگران کمپیدرو چون ننی واحد در برابر مدیرعامل و سایر عوامل رژیم جمهوری اسلامی برای بازگرداندن همکاران کارگر خود ایستادگی کردند. کارگران بلافاصله تصمیم

گرفتند که بعد از پایان وقت اداری به منازلشان نروند بلکه بعنوان اعتراض به عمل زورگویانه و تهدیدآمیز مدیرعامل در کارخانه بمانند تا دلایل چنین عملی را از مدیرعامل توضیح بخواهند. مدیرعامل و دیگر دست اندرکاران یعنی انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه در برابر این حرکت کارگران به هراس افتادند. آنها کوشیدند تا شاید بگونه ای بتوانند ماجرا را ماسما بی کنند و فیصله بدهند

اما کارگران مبارز و آگاه با اتحاد طبقاتی خود با این توطئهها تن در ندادند. کارگران در مقابل تلاشهای مدیرعامل و دیگران مصرا نه خواهان توضیحات قانع کننده بودند و مدام به مدیرعامل میگفتند که شما با چه مجوزی همکاران ما را اخراج کرده اید. مدیرعامل (حمیری) بعد از طفره رفتن و زمینه سازی برای متقاعد کردن کارگران به ترک کارخانه، بالاخره مجبور شد که

توضیحاتی بدهد، این توضیحات خود بیانگر شیوههای پلیسی و جاسوسی و ایجاد جو اختناق در کارخانه است و بیش از پیش دست آنها را در ساختن و توطئهها و ماهیت آنها را برای کارگران روشن ساخت. مدیرعامل توضیحات شگرف خود را بگونه ذیل آغاز کرد "من باین علت او را اخراج کردم که او اعلامیههای کمونیستی در کارخانه پخش میکرد. او کم کاری میکرد، کارگران را دور خود جمع میکرد و مانع تولید میشد" کارگران از مدیرعامل پرسیدند آیا شما شهادت مدرکی برای این حرفهایتان دارید؟ او گفت "بله چند نفر اینجا هستند ولیکن از شما می ترسند و نمیتوانند شهادت بدهند" در اینحال یکی از کارگران در برابر استدلالات حمیری گفت پس معلوم میشود که آن چند نفر دروغ میگویند و الا اگر چنین بود شهادت میدادند. بالاخره بعد از دو ساعت بحث و گفتگو میان کارگران و مدیرعامل، در ساعت چهارم ناظره تعطیل شد و قرار شد که کارگر اخراجی فردا

بسرکار خود برگردد و در کارخانه مجمع عمومی تشکیل شود و درباره کارگر اخراجی تصمیم بگیرد. ولی روز بعد هنگام ورود کارگر مزبور به کارخانه، جلودر ورودی چند پاسدار کارگر مبارز را دستگیر کردند و به کمیته بردند. کارگران بعد از مشاهده این عمل تصمیم میگیرند تا وقتی همکار مبارزشان آزاد نشده و بکارخانه بازنگردد به خانههایشان نروند. بعد از اینکه انجمن اسلامی کارخانه از تصمیم کارگران آگاه شد بدست و پا افتاد و در اسرع وقت نزد مدنی (نماینده امام خمینی) و موسوی (رئیس دادگاه تبریز) رفته و اوضاع کارخانه را بگونه ای تصویر کردند که گویا در کارخانه شورشی در حال تکوین است. مدنی و موسوی هم بطرف به حساسیت اوضاع بلافاصله همان شب کارگر مبارز اخراجی را از کمیته آزاد کردند. بالاخره بعد از یکماه مبارزه کارگران متحد کمپیدرو موفق میشوند که قول برگرداندن همکار خود را از نمایندگان سران رژیم دور بکنند

## اعلام "شرایط آزادی گروگانها"

## سند رسوائی هیئت حاکمه



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بیانیه ای که در روز ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۹ منتشر کرد، در مورد وضعیت گروگانها و شرایط آزادی آنها اعلام کرد. در این بیانیه آمده است که هیئت حاکمه رژیم در برابر مطالبات آزادی گروگانها و رفع محاصره آنها بی حساسیتی عمل کرده است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بیانیه خود اعلام کرد که در صورت عدم پاسخگویی هیئت حاکمه به شرایط آزادی گروگانها، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در پی سرنگونی رژیم است. در بیانیه آمده است که هیئت حاکمه رژیم در برابر مطالبات آزادی گروگانها و رفع محاصره آنها بی حساسیتی عمل کرده است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بیانیه خود اعلام کرد که در صورت عدم پاسخگویی هیئت حاکمه به شرایط آزادی گروگانها، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در پی سرنگونی رژیم است.



# اتحاد قدرتمند کارگران ارج پیروزی دیگری را نصیب آنان کرد

کارگران کارخانه ارج از چند روز قبل از آغاز جنگ کنونی، خود را برای تشکیل شورای جدید آماده می‌کردند. شورای سابق کارخانه علی‌رغم حضور یک پادو عنصر مشرقتی، عملاً در خدمت مدیریت و سرمایه داران بود. کارگران با کاندید شدن افراد جدید و حمایت فعال از آنان زمینه را برای تشکیل شورای انقلابی فراهم میساختند. عناصر ضدکارگری شورای سابق که اینک منصور کارگران بودند به تکیه بر پادو و فسادها از شرایط ناشی از جنگ حداکثر استفاده را بنمایند. ابتدا با تمام شگردهای ضدانقلابی مانع تشکیل شورای جدید شدند اما اتحاد دوم مبارزه کارگران برای تشکیل شورای جدید آنها را وادار به یک گام عقب نشینی کرد این بار عناصر ضدکارگری شورای سابق که در رهبری همان شورا بودند خود را کاندید کردند. کارگران با خط کشیدن برنامه آنها در لیست کاندیداها و با تبلیغ بر علیه آنها، پاسخ مناسبی به این نمایندگان دروغین دادند. آنگاه این افراد را اجباراً اعلام کردند که بدلیل کسار زیاد (۱) در شورای جدید کاندیدان نخواهند بود. اما این پایان نوظنه آنها نبود.

فناوشی اعلام کرده بودند و اکنون حامیان سرمایه شورای کارگران را غیر فناوشی می‌خواندند. کارگران خوب می‌دانستند که تشکیل شورا ضرورت مبارزه آنهاست و از دل مبارزه بیرون می‌آید و هیچ فناوشی بجز اراده کارگران بر آن حکم نمی‌لاند در پایان مجمع عمومی نماینده مورد اعتماد کارگران سخنرانی کرد. او حد نفر را جهت انتخاب در شورای جدید، کارگران معرفی نمود. اما مدافعین سرمایه پا برداشتی بلند گومانع ادامه سخنرانی این نماینده شدند. نتیجتاً برنامه انتخابات شورا که قرار بود در روز بعد انجام شود، پسه

تعویق افتاد و روز بعد رهبران ضد کارگری شورا اطلاعیه‌ای صادر کردند و نماینده مورد اعتماد کارگران (دهقان) را عامل تشنج معرفی کردند. سیاه هم با اطلاعیه شماره ۲ خود، تاریخ انتخابات را ۸/۱۵ معین نمود، اما از سوی دیگر کارگران با جمع آوری امضاء بجهت حمایت از نماینده مورد اعتماد خود برخاستند. روز ۸/۶ کارگران قسمت مونتاز جهت اعتراض به مدیریت و شورا بخاطر صدور حکم تعلیق یک هفته حقوق یکی از کارگران مونتاز (که با نگهبانان درگیر شده بود) دست از کار کشیدند. آنها ضمناً حمایت خود را از "دهقان" اعلام کردند. قسمت‌های دیگر کارخانه از این جریان با خبر شدند و از دهقان بقیه بز صفحه ۸

صبح روز دوشنبه ۵۹/۸/۳ اطلاعیه‌ای از جانب سیاه پاسداران در کارخانه نصب شد. محتوای این اطلاعیه چنین بود که برای تشکیل شورای جدید ابتدا باید هیئت موسس ایجاد شود. تشکیل هیئت موسس یا نظارت سیاه و ارگانهای دولتی باشد. سپس همین ارگانها در انتخابات شورا نظارت داشته باشند تا از نفوذ عناصر چپ و راست در شورا جلوگیری کنند! بعد از ظهر همین روز مجمع عمومی تشکیل شد. سه نفر برای سخنرانی به کارخانه آمدند که یکی از آنها پاسدار دیگری روحانی بود که خود را مسئول فرهنگ بنیاد مستضعفین معرفی میکرد. همه صحبت آنان این بود که باید برای کارگران شورائی تشکیل دهیم، باید مانع نفوذ چپ و راست در شورا باشیم! از طرف سیاه هم کارگران پیسرو مورد تهدید ترس گرفتند. خلاصه کلام این که اگر شورا را کارگران تشکیل دهند غیر فناوشی خواهد بود کارگران از خود می‌پرسند مگر شورا را باید دولت تشکیل دهد؟ آنها باید در رژیم گذشته می‌افتادند که آنها را برای بیان نماینده انتخاب میکردند و سندی که می‌ساختند. کارگران بد رسی می‌دانستند شورایی که دولت تشکیل دهد فقط منافع سرمایه داران است زیرا آنها چند روز قبل با جمع کردن امضاء شورای سابق را غیر

بیتالی

شماره ۱۲۴۲-۹  
تاریخ ۵۹/۸/۳  
پست

ار: سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیه ۲ - واحد کارگری  
به: اعضا شورای سابق کارخانه ارج  
موضوع: نحوه انتخابات شورای اسلامی کارکنان

نظر باینکه انتخابات شورای اسلامی کارخانجات میبایستی زیر نظر یک هیئت بیطرف به انتخاب کلیه کارکنان کارخانه انجام گیرد، لذا بدینوسیله ابلاغ میگردد که شورای سابق کارخانه ارج هیچگونه حق دخالتی در این مورد ندارد و انتخابات مذکور بایستی زیر نظر هیئت موسس که به انتخاب همه کارکنان تعیین خواهد شد انجام پذیرد.

بدیهی است که صلاحیت تمام کاندیداهای شورا و شرایط ورود آنها به شورای اسلامی کارخانه حتماً باید به هیئت مذکور رسیده و از نفوذ عوامل چپ و راست و افراد فاقد صلاحیت به شورای اسلامی جلوگیری بعمل آید.

مراتب جهت اطلاع باستحضار رسیده، متن است نتیجه اقدامات خود را در این زمینه باین واحد ابلاغ نمائید %

مسئول سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیه ۲ - واحد کارگری

تاریخ ابلاغ: ۵۹/۸/۳  
تاریخ تحویل: ۵۹/۸/۳

تاریخ تحویل: ۵۹/۸/۳

## تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است



### اتحاد قدرتمند...

بقیه از صفحه ۷

خواستند که برای کارگران سخنرانی کند. این نماینده در سخنرانی گفت: تکلیف ۵ میلیون تومان بود کارخانه هنوز معلوم نشده و در ادامه صحبتهاش باین مسئله اشاره کرد که: عناصر ضد کارگر شورا و مدیریت می خواهند شورای فرمایشی ایجاد کنند، همچنین اوبه حقوق کلاهی مدیران اعتراض کرد و پیرده از توطئه دیگری برداشت. او گفت مدیر عامل سابق کارخانه که بجرم دزدی از کارخانه از دست کارگران فرار کرده بود گویا در حال حاضر سمت معاونت وزیر صنایع و معادن را دارد، همین مدیر عامل نمایندگان مترقی کارگران را در اولین شورای کارگران وادار به استعفا کرده بود.

پس چرا کارگران بالا گرفت آنها می گفتند چرا این نماینده تاکنون مسائل فوق زایا کارگران در میان نمی گذاشت؟ سپس عناصر ضد کارگر وارد میدان شدند. یکی قانون اساسی را یاد کارگران آورد. او گفت اگر شورایی طبق قانون اساسی نباشد دولت آنرا برسمیت نمی شناسد. کارگران پرسیدند توی بالا گفته بودی کارخانه ۶ میلیون تومان ضرر کرده است، پس این ۱۵ میلیون تومان سود از کجا آمد؟ او دریافت که دیگر جانی برای فریب باقی نمانده است، پایش را از معرکه بیرون کشید.

نفر دوم با سلاح "خط امام" وارد میدان شد، اوبه دهقان حمله کرد. کارگران گفتند: تو بگو در این مدت چقدر کسری کرده ای؟ او با از تریبون پائین کشیدند. بعد از ظهر شنبه ۸/۸ خیر دستگیری دهقان در کارخانه پیچید، روز بعد کارگران ساعت ۱۲ جمع شدند. هر لحظه بر تعداد کارگران افزوده می شد. کارگران شیف بعد از ظهر هم از راه رسیدند کارگران با شعار "مرگ بر عناصر ضد کارگر شورا" خواهان آزادی نماینده ای که دستگیر شده بود گردیدند.

دو نفر از سپاه پاسداران وارد کارخانه شدند. مدیر کارخانه در اطاقش را از پشت بسته و پشت میز کارش مخفی شده بود. کارگران او را با زور به محوطه آوردند. او گفت "می ترسم بیایم ممکنست مرا بزنند" او را در برابر گویان گفت از دهقان هیچ شکایتی ندارد و سعی می کند او را آزاد کند. کارگری برای سخنرانی پشت تریبون رفت. او ابتدا اعمال سرمایه داران را در کارخانه افشا کرد و سپس به حمایت از نماینده ای که یکسال پیش محبوس به استعفا شده بود پرداخت. همه کارگران حرفهای او را تائید کردند. نماینده سپاه سخنرانی نمود و پس از تعریف و تمجید فراوان از سپاه

پاسداران گفت: عناصر یالیزبان و اویسی و ضد انقلاب در کارخانه هستند، او گفت ما نماینده کارخانه ساکارا که ضد انقلابی بود دستگیر کردیم و روانه زندان نمودیم و سپس ادامه داد که در بین شما گروههای چپ هستند دهقان باید چهار روز در کارخانه نباشد، این تشخیص دادستان انقلاب است. پس تشخیص دادستان انقلاب اگر نماینده ای اخلال کند، ابتدا با حرف و سپس با سرنیزه طوی او را بگیریم.

کارگران می گفتند آنها که فقرو بیکاری و گران را به مردم تحمیل می کنند ضد انقلاب اند، نه کسانی که بر علیه ستگیری و استعمار مبارزه می کنند. کارگران روز حمتکشان بیپوده اعتصاب نمی کنند، علت اعتصاب و کم کاری مقرراتی است که می خواهد مثل گذشته حقوق کارگران را بایمال کند، خون کارگران را به شیشه کند، سرمایه داران و مدیران به میل خود کارگران را از کارخانه بیرون می کنند، دولت و سرمایه داران می خواهند نظام تحقیر و تبعیض آریا مهربی را در کارخانه زنده کنند آیا کارگران می خواهند برای سیر کردن شکم فرزندان خود از بام تا شام کار می کنند ضد انقلاب هستند سرمایه دارانی که حق کارگران را از آن سلب می کنند، گرانی کم رکن را به آنان تحمیل می کنند و می خواهند حق نفس کشیدن را نیز از آنان بگیرند.

اعتراض کارگران اعتراضی انقلابی است اما آنها که نمایندگان واقعی کارگران را دستگیر می کنند و بزنند می اندازند، آنها که پاسداران سرمایه هستند و مانع تشکیل شورای واقعی کارگران هستند، آنان که با عناصر ساواکی و مزدوران رژیم گذشته عقد اتحاد بسته اند آری اینان صد انقلابند. صف متحد و آشتی ناپذیر کارگران ارج تشکیل شده بود. آنها اعلام کردند تا دهقان آزاد نشود سرکار نخواهد رفت. دیگر قریب و سرکوب نتیجه ای نداشت. یک ساعت بعد دهقان آزاد شد. کارگران او را روی دوش خود حمل می کردند. او در محبت کوتاهی گفت: "زندان که جبری نیست، جایم را هم برای کارگران می دهم". آری، کارگران ارج با اتحاد و همسنکی، اینبار دشمنان خود را اعم از سرمایه داران و حامیان او را بزنند و در آورند. آنها با این پیروزی برای مردای تولید بخش آینده خود را آماده می کنند. آنها درس بزرگی آموختند. کارگران بی شرو با آگاهی بر این تکلیف این شکل خود انگیخته کارگران در صورتی خواهد توانست موفقیت خود را تثبیت کند و بینه موفقیت های دیگر برسد که بتواند به یک شکل آگاهانه تبدیل شود. بر ضرورت ایجاد تشکلات واقعی کارگران یعنی شورا تاکید می کنند و می گویند با ایجاد هسته های سرخ متشکل از پیشروترین کارگران، رهبری و هدایت شورا را بدست بگیرند و از مبارزه بیگانه قاطع جهت تامین منافع کارگران را به انجام برسانند.

### لایحه واگذاری زمین...

بقیه از صفحه ۱

امسال هم کشت نمایند و اگر اختلافی در مورد زمین و یا مال الاجاره و یا بهره مالکانه دارند به علمای اعلام در شهر ها مراجعه نمایند تا طبق موازین اسلامی اختلافات را حل فرمایند تا انشا الله در آینده نزدیک مجلس و دولت اسلامی تصمیمات مفیدی در این زمینه بگیرد و رفاه عموم کشاورزان را فراهم سازد. (کیهان ۴ آبان) ما مکرر در نوشته های خود ماهیت بورژوازی فرمهای هیئت حاکمه را در زمینه های مختلف پس از قیام نشان داده ایم. فرمهای هیئت حاکمه در زمینه مسئله ارضی نیز دارای یک جنبش ماهیتی است. هیئت حاکمه که از سیستم سرمایه داری و منافع سرمایه داران و زمین داران دفاع می کند، نمی تواند، مسئله ارضی را بنحوی حل کند که منافع دهقانان زحمتکش باشد. حتی زمانی که تحت فشار توده های مردم لواحق می گذرانند و فرمهای را آغاز می کنند در مرحله اجرا با هزاران مانع روبرو می شود. نمونه این امر را که مشتکی از خروار است در اطلاعیه آقای ربانی شیرازی می بینیم. او آشکارا بدفاع از منافع مالکین سرمایه داری که در دهقانان زحمتکش می خواهد که پس از سالها تحمل ستم و استثماری که مالکین بر آنها روا داشته اند، همچنان صبر کنند، باز هم دندان روی چکر بگذارند و با سفره خالی بسازند و برای مالکین بیشتر کشت کنند.

او در این اطلاعیه خود آنچنان بصراحت به دفاع از منافع مالکین برخاست که بمذاق سزمداران جمهوری اسلامی خوش نیامد و آنچنان چه سره دولت جمهوری اسلامی را غریبان به نمایش گذاشت که ستاد مرکزی واگذاری زمین را محبوس ساخت، چند روز بعد اطلاعیه ای صادر کرد که در آن گفته شده بود:

"واگذاری زمین متوقف نشده، ولی ادامه کار با پیدا دت عمل بیشتر صورت گیرد"

معنای دت عمل بیشتر نیز روشن است. این دت عمل "چیزی جز تا من منافع بیشتر مالکین و لگد مال کردن حقوق دهقانان نیست. دت عمل چیزی نیست جز ادامه همان روابط ظالمانه و ستمگرا نه گذشته و رفع اختلافات فی ما بین از طریق هیئت هیئت نفی برای روشن شدن مسئله و ماهیت عملگردهای هیئت هفت نفره به بررسی چند نمونه می پردازیم. هیئت هفت نفره که نفرشان منتخب ارگانهای دولتی و دو نفر دیگر منتخب خود آنان از میان دهقانان است.

در اطلاعیه ای بتاريخ ۸/۴

بقیه در صفحه ۱۲

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# جنگ و کارگران:

## کارخانه کفش بلا

### یک هفته تعطیل شد!

تحمیل کنند. بار سنگین هزینه های جنگی و تامین تدارکات آن را باید کارگران و زحمتکشان میهن بقیمت بیکار شدن، تحمل گرانی و کمبود انواع مایحتاج، بپردازند برای تامین سوخت هواپیمای فانتوم، واحدهای صنعتی تعطیل می شوند این است دستاورد جنگ برای کارگران یعنی بیکاری و پشت آن فقر و خانه خرابی، مسلم است که هیچیک از این مشکلات بر زندگی سرمایه داران و ثروتمندان اثر نخواهد گذاشت اما در عوض میلیاردها دلار هزینه جنگی به جیب انحصارات امپریالیستی می رود. هزینه بازسازی و ترمیم صنایع و تاسیسات منهدم شده و کشور بجزیب امپریالیسم و سرمایه داران ایران و عراق خواهد رفت. سرمایه داران دو کشور هم در حین جنگ بوسیله احتکار و هم بعد از آن سودهای کلانی بدست خواهند آورد. در صورت تعطیلی دائم این کارخانه و واحدهای دیگر بیکاری شدیدتر خواهد شد و با توجه به سیاست های ضد کارگری دولت زندگی کارگران به مخاطره می افتد. اکنون کارگران پیشرو آگاه باید ماهیت ضد انقلابی جنگ را برای کارگران توضیح دهند.

در هفته گذشته شرکت تولیدی و صنعتی کفش سازی بلا بدستور هیئت مدیره بمدت یک هفته تعطیل شد علت تعطیل شدن این واحد صنعتی کمبود سوخت کافی برای گرداندن چرخهای این کارخانه بود. سوخت کفش سازی بنزین اس-اس است، که در ضمن سوخت هواپیماهای جنگنده فانتوم نیز می باشد. در پی جنگ ولت های ایران و عراق بطور مرتب سوخت کارخانه کم می شد و تولید رو به کاهش داشت تا اینکه در هفته گذشته برای تامین سوخت کافی جهت هواپیماهای فانتوم کارخانه تعطیل شد. در صورت ادامه جنگ خطر تعطیل دائم کارخانه و بیکاری کارگران بسیار محتمل است. جنگ تیجه ای جز فقر و خانه خرابی، در شرایط تورم و گرانی طاقت فرسا برای کارگران نخواهد داشت.

آری ما گفته بودیم که جنگ دولتهای ایران و عراق، بدفع امپریالیستها و بزبان کارگران و زحمتکشان هر دو کشور است. آری در جنگ بین سرمایه داران این استخوانهای کارگران است که له و لورده می شود. فشار اقتصادی ناشی از جنگ بر دوش کارگران و زحمتکشان شهر و روستا می افتد. گرانی و تورم، کمبود سوخت، حتی خرابی و ضایعات جانی را باید کارگران و زحمتکشان

بروید تولید کنید! آ خر بمانا بگوئید برای کی تولید کنیم؟! برای چی تولید کنیم؟! تولید کنیم که شما به مردم گران بفروشید! به ما حقمان را ندهید... ما میدانیم حقمان را باید بازور بگیریم و بالاخره هم میگیریم! ما مصممیم چرا؟! چرا چرا مدیون کارخانه که دزدی هم میکند (تقی بلاغی) ماهیانه ۴۰۰/۰۰۰ ریال حقوق بگیرد و کارگر کارخانه ۲۰/۰۰۰ ریال یعنی حقوق او را؟! چرا هنگامی که کارگران در سال ۵۸ مدیون کارخانه را اخراج کردند هیئت مدیره ضد کارگرد و باره او را پس از چند ماه باسلام و صلوات به کارخانه آورد؟! چرا حالا که در مرداد ۵۹ کارگران او را اخراج کرده اند هنوز مدیریت دولتی و غیر دولتی پس از سه ماه سعی در باقی ایمن سرسپردگان به سرمایه داران - وابسته دارند؟! چرا مدیون تدارکات (علی حجتی) جنس هائی را که ارزش دو ملیون و پانصد هزار ریال را دارند فقط در یک قرارداد بمبلغ هفت میلیون ریال خریداری میکنند؟! آخر چه کسی جز ملت محروم بایستی تاوان این دزدی ها را بدهند؟

چرا سعید وارسته خونخوار که قبلاً تریلی وارد میکرد و بایستی تریلرهای او را ق خود را که تهنه مانده واردات او میباشد به قیمت های گزاف به شرکت بفروشد، آخر چرا او و کارگران نا آگاه را فریب میدهد تا شبها بعنوان نگهبان از کلکسیون فرش ایشان مراقبت کنند و ما کارگران شبها گرسنه باشیم! و ایشان صاحب چندین شرکت مجمل و اسکانوز، فاسیت و... باشند.

رفقای همزم! با درود به یکایکتان از شما صریحاً میخواهیم حالا که ایمن سرمایه دار وابسته در سوخت



## نامه عده ای از کارگران گروه شرکتهای ساوالوکس

مردم فروین وارد مجلس شورای اسلامی شد و در کنار دیگر دوستان خود و خیانت پیشگان به مردم قرار گرفت و خود ایشان شخصی بنام مهندس احمد هاشمیان را که از اعضای هیئت مدیره دولتی شهرک اکباتان بود بعنوان مدیر عامل یک شرکت ورثیس هیئت مدیره شرکت دیگر به مسند خلافت نشاند و شروع کرد: "من شورا را قبول ندارم، کارگران غلط کردند، تولید را بالا ببرید، اضافه حقوق نمیدهیم و..."

و بدین ترتیب به مدیونان منتخب دولت مجال آ نرا داد تا با این کام خدمتی ناچیز به اربابان امپریالیستی خود کرده و سرسپردگی خویش را بیکبار دیگر برایشان به اثبات برسانند و حال این جنسها را به چه قیمت هائی خواهند فروخت نمیدانیم... اما چرا قیمت قطعات و محصولات این شرکت از محصولات و قطعات مشابه در بازار گرانتر است؟ فقط در سال جاری دوبار قیمت قطعات را افزایش داده اند یکبار ۶٪ و یکبار دیگر ۴۲/۸٪ چرا؟

گروه شرکتهای ساوالوکس از دو شرکت تجاری ساوالوکس و تولیدی ساوالوکس تشکیل شده است. شرکت تجاری اجناس ساخته شده وارد میکند و شرکت تولیدی قطعات ساخته شده وارد کرده و آنها را مونتاژ میکند (مثل سایر صنایع مونتاژی) این شرکتها که حدود ۶ سال پیش با سرمایه گذاری سرمایه دار وابسته سعید وارسته با مشارکت الکترولوکس سوئد که متعلق به پدرزن سعید وارسته میباشد تاسیس شد. محل این کارخانه در ساوه میباشد. در سال ۵۶ سرمایه دار بزرگی - عبدالرحمان گلزار شبستری سهامدار شهرک اکباتان در آنجا سرمایه گذاری نمیکند.

بعد از قیام بهمن ماه کارگران توانستند تسکلی ایجاد کنند و در فروردین سال ۵۸ کارگران مبارز توانستند سعید وارسته را به زندان بفرستند اما او با نفوذی که در دولت جمهوری اسلامی داشت پس از چند روز آزاد شد که همه فهمیدند آقای صدر حاج سعید جوادی عضو کابینه دولت موقت که شوهر عمه این خونخوار است او را از زندان آزاد نمود. اما کارگران با اینکه سر به سختی خورده بودند آزادی نداشتند و پس از فشار فراوان توانستند این کارخانه را به اصطلاح دولتی کنند همه خوشحال بودند که مدیر دولتی خواهد آمد که یکدفعه سروکله آقای صدر حاج سعید جوادی شوهر عمه این سرمایه دار وابسته در او آخر سال ۵۸ بعنوان مدیر منتخب دولت پیدا شد و او میگفت که مملکت ما به وجود مدیونانی چون سعید وارسته سخت نیاز مند است و آنوقت همه بچه ها فهمیدند که... رودست خورده اند! سرانجام آقای صدر حاج سعید جوادی بعنوان نماینده واقعی!!

افزایش قیمت محصولات الکترولوکس به تناز ایران در سال ۵۹

جاروی برقی ۳۴۵	از ۱۱۴۳۷ ریال به ۱۶۲۰۰ ریال
بخچال ۸۵/۱۵	از ۲۷۵۰۰ ریال به ۳۲۲۵۰ ریال
بخچال ۸۰	از ۱۷۵۰۰ ریال به ۲۲۴۵۰ ریال
بخجاری نفتی ۱۰۰	از ۵۶۳۲ ریال به ۶۶۴۰ ریال

به خوش گذرانی مستول است و شایع شده که فرار کرده، با چاپ این دردهای مانع وزود ایمن و ایستگان سوید و نمایندگان دولت راهم افسانه کشاید. با درود به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گروهی از کارکنان شرکتهای ساوالوکس ۵۹/۷/۲۶

هنگامی که کارکنان بسیارز توانستند دزدی های مدیر تدارکات و زدوننده های ایشان را از یکطرف با تاجار دزد بازار از طرف دیگر با سرمایه دار وابسته سعید وارسته را بگیرند و به مدیر عامل منتخب دولت گزارش بدهند، ایشان میگویند: من خودم مواظب هستم، شما

برای اشتراک

از شماره ۷۳ بعد، با آدرس زیر تماس بگیرید:

Kar Committee      بهای اشتراک سالانه ۲۵ دلار

P.O. Box 6029      ششماهه ۱۴ دلار و سه ماهه ۸ دلار

Arl. Va. 22206      دلار میباشد

دانشان و همواران می توانند ککهای مالی خود را از طریق "کینه کار" یا "کدر کد" به سازمان ارسال نمایند. مدارک ککهای مالی و "کد" مربوطه در ستون ککهای مالی چاپ خواهد گردید.

فرم اشتراک فوق توسط سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هموار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نشریه "کار" اضافه گردیده است.

# سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

# پاسخ به سئوالات

طی چند هفته اخیر سئوالات و انتقادات متعددی از جانب برخی از رفقای هواداران سازمان پیرامون مقالات و مواضع اتخاذ شده در نشریه کار بدست ما رسید. برخی از این انتقادات کاملاً درست و سازنده بود ما نیز سعی می‌کنیم که با توجه به انتقادات رفقا نواقص موجود را تا حد ممکن برطرف سازیم. اما برخی از سئوالات و انتقادات بسیار مربوط به مسائلی بود که ما مکرراً در نوشته‌های خود با آنها پاسخ داده‌ایم و یا بدون در نظر گرفتن کلیت یک مقاله و بدون توجه به تحلیلها و مواضع ما از مسئله مورد بحث یک جمله را از کل مقاله جدا کرده و سپس سئوال کرده اند که آیا این امر برخلاف مواضع و نظرات سازمان و یا در تناقض با آنها نیست؟

ما از همه رفقا و هواداران سازمان می‌خواهیم که هنگام مطرح سئوالات و انتقادات خود، اولاً از طرح سئوالاتی که در نوشته‌های مختلف سازمان بدانها پاسخ داده شده است خودداری نکنند و ثانیاً هنگام طرح یک سئوال و یا یک انتقاد مربوط به مقالات یا مواضع اتخاذ شده به کل مقاله نظر داشته باشند و نه یک جمله آن. مثلاً با توجه به این مسئله که ما در مقالات متعددی مطرح کرده‌ایم که جنگ در درازمدت به نفع حاکمیت نیست و اساساً یک جنگ درازمدت موجودیت کل حاکمیت را به خطر می‌اندازد، بر سریده اند چرا در سرمقاله کار ۷۹ مطرح شده است که "اگر جنگ طولانی شود مواضع حزب جمهوری اسلامی تقویت می‌شود" در حالیکه این دسته از رفقا توجه نکرده اند که ما حتی در همین سرمقاله نوشتیم "ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصادی، بر بحران سیاسی و نارضایتی توده‌ها خواهد افزود و موجودیت هر دو رژیم را بحظر خواهد انداخت" نظر سازمان بنا بر دلایلی که در مقالات متعدد ذکر کرده و در اینجا از تکرار آن خودداری می‌کنیم اینست که جنگ کوتاه مدت، که همراه با رشد گرایشات و احساسات ناسیونالیستی و بالارفتن پرستی و حسیت ارتش است، بنفع اشرالها می‌باشد، اما اگر جنگ طولانی تر شود و موقعیتی که ارتش و لیرالها در روزهای آغاز جنگ بدست آورده‌اند، در اشرکستهای پی در پی، و فروکش کردن روحیه شوخیستی از میان رود، در غیاب یک آلترناتیو انقلابی، حزب جمهوری اسلامی از این وضع در جهت تقویت موضع خویشتن در برابر لیرالها استفاده خواهد کرد.

با انتشار سرمقاله "کار" شماره ۸۲ سئوالاتی برای برخی از رفقای هوادار ایجاد شده است. این سئوالات عمدتاً پیرامون جناحهای درونی حزب جمهوری اسلامی است. سوال شده که آیا میتوان از سه قدرت در هیئت حاکمه سخن گفت و یک جناح از

در کلیه انقلاباتی که بوقوع پیوسته انواع مختلف قیام را میتوان مشاهده کرد. انقلاب سوسیالیستی اکتبر با قیام مسلحانه طرح ریزی شده از جانب بلشویک‌ها به پیروزی رسید. انقلابات ویتنام و چین هر چند شکل عمده‌تر و تسخیر قدرت سیاسی جنگ درازمدت توده‌ای بود، اما هر دو انقلاب مملو از قیام‌های محلی بوده است.

انتخاب لحظه مناسب برای آغاز قیام از اهمیت بسیاری برخوردار است و در پیروزی یا شکست قیام اثر قاطع دارد. فرمول بندی لنینی برای لحظه مناسب آغاز نبرد قطعی چنین است:

- ۱- تمام آن نیروهای طبقاتی که با دشمنند بجای کافی سردرگم شده باشند، بجداگانی با یکدیگر در افتاده باشند و بجداگانی خود را در مبارزه با یکدیگر از قدرت آنان خارج است تا توان نموده باشند.
- ۲- تمام عناصر متزلزل، مردد، ناستوار و بیبانی یعنی هر خرد بورژوازی و مومکراسی خرد بورژوازی نیز بشکل متمایز از بورژوازی، خود را بجداگانی در برابر خلق رسوا ساخته و در نتیجه شکستگی عملی خود بجداگانی مفتضح شده باشند.

۳- در بین پرولتاریا احساسات توده‌های بنفیع پشتیبانی از قطعیت‌ترین عملیات انقلابی فداکارانه و متهورانه علیه بورژوازی آغاز گردیده و بنحوی پر توان در حال اوج باشد. (لنین چپ روی) بنابراین آنچه در بهمن ما رخ داد یک قیام توده‌ای، قیامی خود بخودی و طرح ریزی نشده بود. در روز ۲۱ بهمن ماه توده‌های وسیع علیرغم خواست رهبری بحرکت در آمدند با دکان و مراکز چور و ستم رژیم دیکتاتوری ساه حمله بردند و ضربات سنگینی بر این ارگانها وارد آوردند. مادر نبرد خلق در این مورد نوشتیم:

"قیام یک برآمد توده‌ای، مبارزه و نبرد طبقاتی آشکار و در عین حال فاقد رهبری واقعا انقلابی و برنامه‌ریزی شده است از پیش تنظیم شده بود. قیام نیروی تاریخ ساز توده‌ها و قدرت توده‌ها را به عینه نشان داد، حماسه‌هایی از قهرمانی آفرید و در سها نئی گرانها برای کمونیستهای ایران و سراسر جهان به ارمغان آورد. در سها نئی که هیچگاه فراموش نخواهد شد و در برآمد توده‌های آینده بکار گرفته خواهد شد."

ولی آیا هر قیامی منجر به انقلاب می‌شود؟ هر قیامی را نمیتوان انقلاب نامید. بسیاری از شورش‌ها و قیامهای توده‌ای بوقوع پیوسته که دارای خصوصیات مشخصه‌های اصلی انقلاب نبوده است. تنها قیامی را می‌توان یک انقلاب نامید که برآمد توده‌های آشکار محصول بلوغ شرایط عینی انقلاب و تکوین موقعیت انقلابی باشد. لنین مشخصه‌های اصلی موقعیت انقلابی را چنین تعریف می‌کند:

"قانون اساسی انقلاب که تمام انقلابها و از آن جمله سه انقلاب روس در قرن بیستم آنرا تأیید نموده‌اند از اینقرار است: برای انقلاب کافی نیست که توده‌های استثمار شوند و ستمکش به عدم امکان زندگی بشیوه سابق پی ببرند و تغییر را نطلب نمایند. برای انقلاب ضروری است که استثمارگران نتوانند بشیوه سابق بقیه در صفحه ۱۴

حزب جمهوری اسلامی را بمثابه قدرتی در هیئت حاکمه محسوب نمود و آیا این تحلیل سازمان از حاکمیت که در نبرد خلق منتشر شده متناقض نمیباشد. مقدمتاً توضیح دهیم عبارتی که در سرمقاله آمده و از سه قدرت در هیئت حاکمه سخن گفته، دقیق نیست و بهمین دلیل موجب ابهام گشته است و از این نظر انتقاد آن وارد است. اما در مورد جناحهای درونی حزب جمهوری اسلامی از جمله جناح مجاهدین انقلاب اسلامی به رهبری جلال الدین فارسی. باید توجه کنیم که این جناح بعنوان قدرتی مستقل در حاکمیت حساب نمیآید و همواره در درون حزب و تحت اتوریته و رهبری بورژوازی آن قرار داشته است و دنباله رو زائده سیاست‌های بورژوازی رهبری بشمار میآید. در نبرد خلق در این مورد آمده است:

"حزب جمهوری اسلامی، سازمان انقلاب اسلامی را از طریق مبتکر و موسس آن جلال الدین فارسی، زیر نفوذ رهبری خود گرفته است و این جریان تابع سیاستهای حزب جمهوری اسلامی است."

... سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی علیرغم ترکیب طبقاتی خرد بورژوازی، عمدتاً در خدمت اهداف و سیاستهای سران حزب جمهوری اسلامی در آمده است."

(نبرد خلق شماره یک دوره جدید - صفحه ۱۲۸)

بنابراین علیرغم تضاد بین این جناح و جناح رهبری حزب که در موارد معینی مثل مسئله گروگانها بروز میکند این جناح عملاً دنباله رو رهبری بوده و به صورت زائده سیاستهای بورژوازی آن عمل میکند و قدرت سوم بشمار نمیآید.

## قیام یا انقلاب؟

رفیقای سئوال کرده‌اند که آنچه در بهمن ما رخ داد قیام بود یا انقلاب؟

برای پاسخ به این سئوال مقدمتاً ببینیم قیام چیست؟ قیام عبارتست از برآمد آشکار و همزمان توده‌ها برای نابودی ارگانهای ستاد طبقاتی طبقات حاکمه. قیام در شرایطی رخ میدهد که توده‌ها نشان بلب رسیده و حاضر به تحمل ستم طبقات حاکمه نیستند.

قیام شکلی از اشکال متنوع مبارزات توده‌هاست. قیام خود انواع و اقسام مختلفی دارد قیام محلی، قیام سرتاسری، قیام مسلحانه، قیام خود بخودی، قیام طرح ریزی شده و غیره...

قیام طرح ریزی شده و مسلحانه عالی ترین شکل قیام و بیابانگر سطح عالی شکل نیروهای طبقاتی است.

## توضیح و پوزش

در دو شماره اخیر دلیل تراکم مطالب موفق به ادا ما مطلب "هسته‌های سرخ" نشدیم. از شماره آینده این مطلب درج خواهد شد.



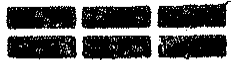
# اخراج معلمان انقلابی و مبارز و بازگرداندن ساواکی‌ها در آموزش و پرورش املش

پیشین خویش ادامه میدهد و حزب جمهوری اسلامی نیز بزرگترین مشوق این عناصر فاسد و خیانتکار است.  
رئیس دبیرستان و معاونانش که بوسیله انجمن اسلامی املش به سمت جدید منسوب شده اند و لیای دانش آموزان معترض را به دبیرستان احضار نموده و از آنان تعهد گرفتند که اگر دو هفته فرزندانشان دست به چنین اعمالی (افشای ماهیت ساواکیها) زدند، از دبیرستان اخراج خواهند شد.  
باید از اپورتونیستهای "کمیته مرکزی" پرسید که برادران!! این چه نوع خرده بورژوازی است که گانه بدش همیشه (نه گاهی) علیه انقلابیون گل میکند و آن همه ناپیگیری و بی برنامگی که از خرده بورژوازی سرراغ داریم یکی در جریان عملکردهای حزب جمهوری اسلامی نمود پیدا نمی کند؟  
درست زمان جنگ و در بحبوحه تبلیغات، حکم اخراج معلمان انقلابی را صادر می کنند و ساواکیها را به کار باز میگردانند.

بدنبال اخراج معلمان مبارز و انقلابی سراسر کشور که بوسیله حزب جمهوری اسلامی انجام گرفت در بخش املش نیز پس از اخراج سه تن از معلمان مبارز، آموزش و پرورش محل ساواکیها را دعوت بکار نموده است. یکی از این ساواکیها حاجت الله احمدزاده است که با اسم مستعار خیامی برای شناسائی و معرفی انقلابیون در خدمت رژیم منفور شاه بود در روزنامه هانیو معرفی شده بود این شخص را به تدریس تعلیمات دینی در دبیرستان دخترانه املش گماشتند.  
دانش آموزان مبارز و آگاه دبیرستان روزنامه ای را که نام و نام فامیل و اسم مستعار او را در روزنامه به عنوان ساواکی درج کرده بود تکثیر و پخش دیگر دانش آموزان توزیع کرده و دست به افشاکاری وسیع زدند.  
ساواکی مزبور در پاسخ به اعتراض دانش آموزان مبارز گفت: "من ساواکی بودم، اما از این بیعت برای امام خمینی کار نمیکنم!". کسی که تا دیروز پیش از قیام از خون انقلابیون ارتزاق میکرد امروز نیز به شیوه کثیف

## ما پالایشگاه را ساخته ایم...

بقیه از صفحه ۳  
حاج سوس عراق هستیید" و فرمائید ارتش حرف او را تکمیل میکند: "ما دستور تیرداریم" و در همین حال زشورا خواهش میکند کارگران را آرام و متفرق کند. آن روز تمام نمایندگان ادارات دولتی از جمله نماینده دادستانی، اداره کار، استانداری، سپاه پاسداران و حاکم شرع سخنرانی می کنند، نمایندگان کارگران در پاسخ این گروه می گویند: شما بسودرما به داران صحبت می کنید، نه بسود کارگران، و در عین حال، کارگران را راضی میکند که خانه هایشان برود، روز بعد کارگران در مسجد پالایشگاه جمع می شوند. پورحیدری صحبت می کند و می گوید ۶۰۰ نفر از شما به بخش برود، ۳۰۰ نفر در کارخانه نما بند ۲۰۰ نفر به پالایشگاه آب دادن ۲۰۰ نفر به پالایشگاه سرازو و ۱۰۰ البتة کارگران بعد از کمی تحقیق و مراجعه در یافتند که پورحیدری کارگران را در حرف بکار می گمارد و در عمل تنها قصدش متفرق کردن کارگران و درهم شکستن اتحاد آنان است. چون همه جا در جواب می شنیدند که: "جانداریم، کارگران نخواهیم" و... مبارزات این کارگران هنوز ادامه دارد اما از آن زمان تا بحال حقوقی به آنها پرداخت نشده است.

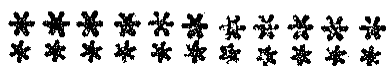


## اخبار کارگری

# کارگران کارخانه بافکار...

بقیه از صفحه ۳

خودمان هر چه لازم باشد از آن طریق کمک می کنیم و وقتی با اصرار روبرو شدیم با پیشنهادی که گردیدند نشان دادند که هدف سرمایه داران کمک به جنگ زدگان نیست بلکه آنها ب فکر منافع خویشند، کارگران قبل کردند چهار ساعت بدون مزد کار کنند بشرطی که کل تولید کارخانه در این مدت برای جنگ زدگان ارسال گردد، علاوه کارگران خودشان بر در آمد و سود کارخانه نظارت کامل داشته باشند و در واقع کنترل کارگری اعمال شود. اینجا بود که مدیر کارخانه با کمال وقاحت فریاد برآورد که "این غیرممکن است" و بدین ترتیب اضافه کاری منتفی شد و قایان از سر این کار خیرخواهانه، بشردوستانه و مین پرستانه! گذشتند، آنها نشان دادند که جنگ خیلی خوب است، اما نه برای همه بلکه فقط برای سرمایه داران.



نیروهای انسانی تحت اختیارشان بپردازند. کارگران با پوست و گوشت خود این را درک کرده اند که آنجا که پای منافع بیش می آید انسان دوستی فراموش میشود. جنگ از خاطر می رود و همه چیز تحت الشعاع سود و سرمایه قرار می گیرد و کارگران مبارز بافکار نیز پس از سالها تحمل ستم سرمایه ای با هوشیاری حیل‌های کارفرما را خنثی می کنند. آنها پس از آنکه در مقابل افزایش ساعات کار تا ۱۲ ساعت در روز پایداری کردند، با نیرنگ دیگری روبرو شدند، از آنها خواسته شد که پنجشنبه ها چهار ساعت اضافه کار کنید و حقوق این مدت کارشان برای کمک به جنگ زدگان احتساب باید. حال اینجاست که این پیشنهاد را ابتدا نماینده شورا و عضو انجمن اسلامی هنگام نماز جماعت مطرح کرد. ولی کارگران در جواب گفتند که ما شماره حساب کمک به جنگ زدگان را میدانیم،

## مبارزات کارگران ایران گلف و...

بقیه از صفحه ۳

در ادامه مصاحبه در جواب سوال "شورا چه اقداماتی در جهت حل این موضوع کرده است" کارگر مدکور جواب میدهد شورا که پس از قیام تشکیل شده بود اقدامات مؤثری انجام داد اما بعطت غیرمکتبی بودن منحل گردید. (البته همکاری کارفرما و انجمن اسلامی) وی می افزاید: "ولی بطور کلی اقداماتی که در این رابطه صورت پذیرفته شکایت بردن به وزارت کار و دیگر ارگانهای ذیربط می باشد، اما متأسفانه هیچگونه اقدام مقتضی از سوی آنها بعمل نیامد و ما با جانشین خود دست بکار شده و مانع از خراج شدن جنس از کارخانه شویم، ولی صاحب کارخانه به ما توسل به وزارت کار و کمیته حرکت ما را خنثی کرد."  
بکار دیگری - یگانگی و وحدت عمل وزارت کار و کمیته ها در حمایت از سرمایه برای بخش دیگری از کارگران مین ما روشن شد و به اثبات رسید که کمیته ها نیز که عمدتاً از جانب حزب جمهوری اسلامی اداره و هدایت می شوند، همواره در مقابل کارگران به حمایت بیدریغ از سرمایه داران برخاسته و برخوانند خاست و با بهانه هایی چون "غیرمکتبی بودن بدفاع از مکتب" سرمایه داران می پردازند.

# پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - همکراتیک خلقهای ایران





# جنگ و تشدید تضادهای...

بقیه از صفحه ۱

لیبرالها را در دستگاه دولتی و ارگانهای اجرایی گسترش دهد. سران حزب نیز تلاش مینمودند با انتخاب نخست وزیر و کابینه صدرصد "مکتبی" (بخوان حزبی)، سلطه بی رقیب خویش را اعمال کنند.

اختلاف بین بنی صدر با مجلس که اکثریت آن در خط حزب و یا تحت نفوذ آن قرار دارند مدتها بطول انجام میدوید و سرانجام حزب با انتخاب رجائی مقاصد خویش را عملی ساخت. ماهنگام تعیین وزیر کشور و وزیر دفاع (پست های حساس و اصلی در قدرت دولتی)، اختلافات آنچنان بالا گرفت که تا آغاز جنگ ایران و عراق سرنوشت آنها بلا تکلیف مانده بود.

نطق بنی صدر در میدان شهدا به مناسبت سالروز هفدهم شهریور که همراه با حمله صریح و بی پرده به سران حزب و تهدید آنها به افشای مسائل پشت پرده بود، آشکارا بیانگر حدت و شدت تضادهای دوجناح بود. رفسنجانی در مصاحبه تلویزیونی اش در فردای همان روز سخنرانی بنی صدر را اعلام جنگ آشکار قلمداد نمود. این دو فراقسیون بورژوازی که برای سرکوب مبارزات توده ها و جنبش انقلابی و دفاع از منافع سرمایه داران روزمندان "میثاق وحدت" بسته اند، علیرغم حفظ وحدتشان در برابر خلق و توده های زحمتکش، با یکدیگر برای کسب موقعیت برتر در قدرت حاکمه بر رقابت برخاسته اند. خطت فردی مالکیت خصوصی و طرق و شیوه هایی که برای اعمال حاکمیت بورژوازی و حل بحران موجود ارائه میدهند، آنها را رودرروی هم قرار میدهد و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، شکاف درونی شان را عمیق تر میسازد.

آغاز جنگ بین دولتهای ایران و عراق، با قدرت گیری سریع لیبرالها و ارتش همراه بود. لیبرالها فرصت را برای تحکیم موقعیتشان مناسب یافته بودند. آنها با تکیه بر ضرورت تقویت همه جانبه ارتش در جنگ کلاسیک بین ایران و عراق با سازای ارتش را سرعت فوق العاده ای بخشیدند. کودتا جیانیا و سلطت بنی صدر از زندان آزاد شده و سرپرست های سابق خویش بازگشتند، تعدادی از فرماندهان باز نشسته بخدمت فراخوانده شدند، سلاح و تجهیزات نظامی خریداری شد و ارتش از همه لحاظ مجهز گردید. تبلیغ به نفع ارتش در صدر برنامه های تبلیغی قرار گرفت و بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا ابتکار عمل را در دست گرفت. -

سنجایی و عروهر به ملاقات اما رفتند و با کسب اجازه از وی هزاران نفر از افراد خویش را تحت پوشش جنگ با عراق مسلح ساختند و در همین حین برای پست وزارت دفاع شخص مورد نظر بنی صدر، یکی از فرماندهان ارتش تعیین گردید.

سران حزب که فرصت های اولیه را از دست رفته می دیدند و از قدرت گیری لیبرالها باز آشفته بودند، با تقویت ارگانهای تحت نفوذ خویش نظیر سپاه پاسداران، بسیج و غیره... در صدد تحکیم موقعیت خویش برآمدند. آنها که

می پنداشتند با ادامه جنگ فرصت را برای تضعیف لیبرالها و تحکیم خویش با زخواهندیافت، خواستار ادامه جنگ گشته و جنگ دراز مدت را تبلیغ نمودند. طرح شعارهای بلند پروازانه ای نظیر "فتح بغداد" نیز بهمین منظور از جانب آنان مطرح گردید.

تضادها و برخوردهای دوجناح که با شلیک اولین توپ ها تحت الشعاع جنگ قرار گرفته و به پشت پرده انتقال یافته بود، با گذشت مدت زمان کوتاهی در صحنه ظاهر گشته و هر چه عیان تر خ مینماید خرابی ها و صدمات ناشی از جنگ، ویرانی بسیاری از تاسیسات صنعتی قطع صدور نفت، کمبود منابع ارزی، توقف چرخ اقتصاد مملکت، تورم، گرانی بیکاری و تخصیص بودجه نظامی برای جنگ، کمبود بنزین و نفت و... بحران اقتصادی را آنچنان شدتی بخشیده است که به درگیریهای جناحی مختلف را اجتناب ناپذیر میسازد.

اختلاف در فرماندهی نیروهای مسلح شدت یافته و حداقل هماهنگی بین سپاه پاسداران و ارتش موجود نیست و هر یک از جناحها میخواهد "گناه" شکست دولت ایران را در جنگ بگردن دیگری بیندازد. بنی صدر که خواهان تمرکز فرماندهی نیروهای مسلح در دست خویش است، دخالت های حزب را در امور فرماندهی ارتش بمثابه مانعی در راه پیشبرد نقشه های جنگی و نمود ساخته و قبول مشکلات و مصائب جنگ شانه خالی کرده و میگوید:

"روز ۱۷ شهریور این هشدار را به همه ملت دادم و مشکلات این جنگ را نمی پذیرم و آنهاست که این مقدمات را فراهم کرده اند بیرون دنیای اش را بگیرند."

(خاطرات رئیس جمهور - انقلاب اسلامی ۸/۱۷)

سران حزب نیز متقابلا بنی صدر و سایر لیبرالها را مورد حمله قرار میدهند. اکنون رادیو، تلویزیون، مجلس و... حتی میدان جنگ را نیز به عرصه رقابت و کشمکش های دوجناح تبدیل گشته است و بنی صدر این وضعیت را چنین تصویر میکند:

"بهر حال ما در این روزهای سخت باید در چندین جبهه بجنگیم، در جبهه شایعه سازان، در جبهه فرصت طلبان قدرت دوست که هیچ چیز جز همسان سرگرمی های خودشان هوش و حواس نمی دهند."

(همانجا)

هر کس در هر گوشه ای از کشور برای خویش قدرتی میگردد، سنجایی و فروهر هزاران مرد مسلح در اختیار دارند، خسرو خان قشقایی با افراد مسلح خویش حرکت میکند، خان های بلوچستان در صدد توطئه هستند محافل ارتجاعی بورژوازی بزرگ به سازماندهی نیروهای خویش مشغولند قطب زاده عنصر سرسپرده بخاطر حمله اش به حزب جمهوری اسلامی در مصاحبه تلویزیونی اش دستگیر میگردد، موسوی اردبیلی دادستان کل از صدور رایین

احکام اظهار بی اطلاعی میکنند و... خلاصه هرج و مرج بر ارگانهای دولتی و بر جامعه حاکم گشته است.

اینهمه بی انگر مدت و شدت تضاد بین جناحها و محافل مختلف بورژوازی بر زمینه بحران حاد اقتصادی و سیاسی است. بحران اقتصادی و سیاسی که با ادامه جنگ بر حدت و شدت آن افزوده می گردد، از یکسو تضادهای طبقه حاکم را تشدید میکند و از سوی دیگر توده ها را به مبارزه با طبقه حاکم میکشاند.

توده ها که پس از گذشت یکسال و نه ماه، هنوز به هیچیک از خواست های اساسی خویش دست نیافته اند و همچنان با بیکاری، تورم و گرانی دست بگریبانند و باید مصائب و مشکلات ناشی از جنگ را نیز تحمل نمایند، بیش از پیش اعتمادشان از حاکمیت سلب میگردد. توده ها بعینه می بینند که حاکمیت کنونی جز بدبختی، فقر و سیه روزی چیزی برای شان نبارمغان نیاورده است و در چنین شرایطی است که درگیریهای جناحی مختلف هیئت حاکمه و افشاکری شان علیه یکدیگر، حاکمیت را در انظار توده ها بی اعتبار تر میسازد و توده ها درمی یابند که اختلاف آنها نه بر سر دفاع از منافع زحمتکش بلکه بر سر چگونگی سرکوب و استئمار آنان است و بدینگونه است که روند رشد تضادها آتش خشم و نارضایتی مردم و مبارزه - توده ای از درون شکاف های طبقه حاکم زبانه خواهد کشید.

## لایحه واگذاری زمین... بقیه از صفحه ۱۲

آیا این افراد با اصطلاح "ذیصلاح" همان مالکینی نیستند که امکانات مادی لازم را برای کشت زمین دارند؟ آیا اینگونه التیما تومها بمفهوم با زبیس گرفتن زمین از دهقانان نیست؟ آیا رفرم ارضی گذشته نیز با چنین شرایطی منجر به فلاکت دهقانان، فقر و با رطافت فرسای قرضهای سنگین و نتیجتا فرار کشا ورزان از روستا و رها کردن زمین هایشان نشد؟ آیا این است ماهیت رفرم ارضی که هیئت حاکمه بدان دست زده است.

اکنون دهقانان با گذشت هر روز در تجربه و زندگی روزمره خود درمی یابند که این طرحها و لوایح حتی اگر تحت فشار دهقانان منجر به واگذاری زمین نیز بشود، بدلیل عدم امکانات مادی و فشار هایی که به دهقانان وارد می شود به نتیجه ای منجر نمی شود و مجددا زمین به مالکین بازمیگردد. دهقانان زحمتکش میهن ما می آموزند که زمین را باید به شیوه ای انقلابی از جنگ مالکین صادره کنند و همانند دهقانان مبارز ترکمن صحرا و سائل کشا ورزی مالکین را نیز صادره کرده و در اختیار خود بگیرند. علاوه بر این دهقانان باید بصورت متشکل، از طریق شورا های خود و یا دیگر تشاهدهای توده ای دولت را تحت فشار قرار دهند که بدر کود، آب، وسائل و ابزار کشا ورزی و دیگر... ما یحتاج آنان را در اختیارشان قرار دهد.

### پاسخ به سئوالات

بقیه از صفحه ۱۰  
زندگی و حکومت کنند. فقط آن هنگامی که "پائینی ها" نظام کهنتر نخواهند و "بالائیها" نتوانند بشیوه سابق ادامه دهند، فقط آن هنگام انقلاب میتواند پیروز گردد. این حقیقت را عبارت دیگر چنین میتوان بیان نمود: انقلاب بدون یک بحران ملی عمومی (که هم استثمار شوندگان و هم استثمارگران را دربرگیرد) غیرممکنست... (علامت هر انقلاب واقعی آنستکه عده نمایندگان قادر به مبارزه سیاسی در بین تودهز حمتکش و ستمکش که تا آن زمان در بی خیالی بسر میبردند، بسرعت ده برابر یا حتی صد برابر شود) (لنین چپ روی)  
در چنین شرایطی است که تودهها به یک اقدام تاریخی بیسابقه رانده شدند و انقلاب آغاز می گردد. و ما در بهمن ماه با چنین وضعیتی روبرو بودیم. در بند خلق در این مورد نوشتیم.

"بحران اقتصادی تضادهای طبقاتی را به سرحد انفجار رساند و تمامی خلق را به عرصه مبارزه آشکار بر علیه رژیم شاه کشاند و بحران سیاسی با ابعاد عظیم بروز کرد" و "در مقطع بیستم بهمن ماه موقعیت انقلابی بلوغ نهائی خود را یافته بود، توده های وسیعاً به مبارزه روی آورد و بود و گرایش به اعمال قهر در بین توده ها شد و ایدئولوژی تقویت شده بود. توده ها علیه رژیم آنکه رهبری آنان را به مسالمت دعوت میکرد، با ارتش و پلیس به مقابله بر می خاستند و در خیابانها با آنها درگیر می شدند نیروهای سرکوبگر ارتش و پلیس و... قادر نبودند جنبش توده های را عقب برانند. ارگانهای توده های نظیر شور و کمیته های مختلف تشکیل گردیده بود و به نوعی اعمال قدرت توده های مستقیم دست می زدند. توده ها که در تجربه عملی خویش ماهیت سرکوبگرانه و ارتجاعی نیروهای مسلح را دریافته بودند، آماده گری کامل داشتند. تا در یک قیام عمومی این نیروهای، سرکوبگران را منلاشی کنند."

برآمد توده های آشکار در بهمن ماه، هم یک قیام توده ای بود و هم یک انقلاب. اما این انقلاب بعلت سازشگر هبری در نیمه راه متوقف ماند و به پیروزی نرسید. این مسئله که انقلاب به پیروزی نرسید مانع از آن نیست که ما آنرا یک انقلاب بدانیم، همچنانکه لنین انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه را علیه رژیم عسکری موقفیت اش، یک انقلاب نامید و در باره آن نوشت: "انقلاب بورژوازی سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روس با آنکه دارای کامیابیهای "درخشانی" کم گاهی نصیب انقلاب های پرتقال و ترکیه شده است نبود. مع الوصف بدون شک انقلاب "خلق واقعی" بود. زیرا توده های خلق اکثریت آن یعنی ژرف ترین "قشرهای پائینی" جامعه که پشتشان در زیر فشار ستم و استثمار دوتا شده بود، مستقلاً برآمد میگردند و در تمام جریان انقلاب مهر و نشان خواستهای خود را که هدفش بنای جامعه نوینی به سبک خود بجای جامعه منهدم شونده بود، باقی گذارد."

(لنین - دولت و انقلاب)

## تحولات اخیر در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و موضع ما

مارکسیست-لنینیست ها همواره به این اصل لنینی، که باید در تاکتیک انعطاف پذیر و در استراتژی ثابت قدم بود، معتقد بوده و هستند. لذا در هر مرحله انقلاب استراتژی، تار سیدن به هدف اصلی، ثابت، ولی اتخاذ تاکتیکهای متنوع - در جهت دستیابی به استراتژی - در رابطه با جریانات حاکم برجینش، امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده و هیچ منافاتی نیز، با سرسختی در استراتژی ندارد، چرا که در رابطه مستقیم با استراتژی، و مجری او امر آنست. ان اصل از مقطع قیام تا مقطع انشعاب کمیته مرکزی از "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" بارها و بارها با اشکال گوناگون در هم شکسته و تحریف شده است. کمیته مرکزی، زیر نقاب به اصطلاح مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه طبقاتی توده های زحمتکش میهنمان را، که هر روز ابعاد گسترده ای بخود می گیرد، و همین طور سرکوب مبارزات کارگران، دهقانان و نیروهای انقلابی، به وسیله هیئت حاکمه، رانان دیده گرفته و سعی دارد که سیاست اپورتونیستی خود را به شیوه های گوناگون در جنبش وارد نماید. پیش اپورتونیستی "کمیته مرکزی" در ارگان سراسری آن به عینیت نشان می دهد که، آنها در نیالهر و جریانهای خود بخودی، و تعیین روش خود، از واقعهای تا واقعیه دیگر، راجا یگزین تحلیل مشخص از واقع مشخص ساخته و زیر نقاب مارکسیسم-لنینیسم انقلابی و با الهام گرفتن از "کمیته مرکزی حزب توده" خائن، سعی می کند، سیاستهای گمراه کننده خود را برای تحمیل توده ها و خام ساختن توده های هوادار، زیر کلمات فریبنده و پرطمطراق به پیش برد.

انتشار "کار" ۵۹ که سیاستهای واقعی "کمیته مرکزی" را بر ملا ساخت، اعتراضات وسیعی را در سطح هواداران برانگیخت و "کمیته مرکزی" را که تا این زمان از قبول مبارزه ایدئولوژیک طفره می رفت، واداشت که مبارزه ایدئولوژیک را در حرف بپذیرد، ولی دیدیم، عملاً به نفی مبارزه ایدئولوژیک علنی و سمپاشی علیه جناح انقلابی سازمان پرداخت، و علیه عم آگاهیش از ماهیت اختلافات، سعی کرد در بین هواداران به آن جنبه تصادفی داده و جهت عمده انشعاب خود را بر سر رزبانی از مشی مسلحانه، قلمداد کند.

اکنون که ۱۸ ماه از قیام شکوه مند خلدنهای ایران می گذرد، جامعه ما دچار یک بحران اقتصادی و سیاسی است، که هر روز ابعاد وسیعتری به خود می گیرد، و چون این حاکمیت بنا به ماهیتش از پاسخگویی به خواسته های برحق توده های زحمتکش ایران عاجز است، لذا با حرکات سرکوبگرانه خود، توده های مردم را از ماهیت ضد انقلابی خود آگاه می سازد، اما پیشاپورتونیستی راست غالب بر "کمیته مرکزی" بنا به خصلت و پایگاه طبقاتی خویش، منافع اساسی پرولتاریا و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را، فدای منافع آنی خویش کرده و بهانه ای به مبارزات درون جامعه مانمی دهد، و در عمل رسالت تاریخی و نقش تعیین کننده طبفه کارگران را دیده انگاشته و بی شرمانه، رهبری مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران را در هیئت حاکمه می بیند.

لذا در این شرایط است که انشعاب "کمیته مرکزی" صورت میگیرد و سازمان خود را از اپورتونیسم راست پالایش داده و این سخن لنین را سر اغار فصلی نو در جنبش سوسیال کمونیستی ایران قرار میدهد  
... مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملادر دست کیست، باید تمام حقیقت را بر مردم گفت (در اطراف شعارها) و نشان میدهد که اختلافات نه تنها در باره چگونگی ارزیابی مشی گذشته، بلکه ریشه در مسائل حاد و مبهم جنبش دارد و اساساً مربوط به منافع طبقه کارگر و جنبش مقاومت خلق کرد و منافع سایر خلقهای ستمدیده ایران است.

آری، وقتی که "کمیته مرکزی" جنگ مقاومت خلق کرد را محکوم میکند و خواهان صلح به هر قیمت است، ما میگوئیم باید از مبارزات عادلانه خلق کرد دفاع کرد و با اتکاب نیروی توده ها برای صلحی دمکراتیک در کردستان کوشید.  
زمانی که "کمیته مرکزی" برای حاکمیتی که با این قساوت به دستاوردهای قیام بورش برده و خونهای هفتاد هزار شهید را به حلقوم بورژوازی میریزد، ماهیتی خرده بورژوازی، مترقی و دمکراتیک قائل است، ما میگوئیم بنا به عملکردهای این حاکمیت، که از فردای قیام بانجام رسانده است آشکارا ماهیت و خصلت طبقاتی بورژوازی آنرا نشان میدهد، از قبیل جلوگیری از ضربات بیشتر بر ارگانها و نهادهای رژیم گذشته، حمایت از سرمایه داران و زمینداران در مقابل کارگران و دهقانان، گماردن تیمسارهای شاهنشاهی به پست های حساس ارتش، دشمنی با شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، معلمان، کارمندان، دانشجویان، دانش آموزان و...  
رفقای "کمیته مرکزی" دیگر شعار "۴۰ ساعت کار در هفته" ... و همچنین شعار "سرکوبگران خلق کرد دشمنان" ... را در ارگان سراسری خود مطرح نمیکنند و تا بحال نیز دلیل این امر را نگفته اند، چون میدانند خصلت واقعی شان در پاسخ باین نوع سئوالات برای مردم و توده های هوادار بر ملا خواهد شد.

وظیفه هر یک از ما است که خصلت اپورتونیستی "کمیته مرکزی" را در هر مکان و در هر شرایط افشا نموده و قاطعانه در مقابل هر نوع بینش انحرافی ایستادگی کرده و اجازه ندهیم جنبش ضد امپریالیستی- دمکراتیک خلقهای ایران به قهقرا کشانده شود.  
ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران- قائمشهر، ایمان داریم که تنها با شرکت فعال در مبارزات حق طلبانه توده ها است که میتوانیم سیاستهای سازشکارانه "کمیته مرکزی" را افشا نموده و ضمن تائید مواضع "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"، اپورتونیسم راست را به عنوان خطر عمده جنبش نوین کمونیستی ایران، طرد نمائیم. برافراشته با دپرچم مبارزه ایدئولوژیک علنی ضامن وحدت جنبش نوین کمونیستی ایران  
هر چه مستحکم تر با دصفوف رزمنده "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" نابود باد جبهه فرصت طلبان و سازشکاران  
نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی اش

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
قائمشهر ۱۸ شهریور ۱۳۵۹

## هر چه گسترده تر باد همکاری و اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

بقیه از صفحه ۱۶

درکوی دوالفقاری که نزدیک محل درگیری است مبادرت به تسلیح مردم میکند، آنهم بطور محدود. تا شب صدای شلیک توپ و "کاتیوشا" فضای آبادان را میلرزاند. نیروهای نظامی و پاسداران حسابی "دست پاچه" شده اند، مع الوصف بدلیل عدم استقرار کامل نیروهای مزدور عراقی در این سوی رودخانه بهمنشیر، نیروهای دولتی توانستند در حدود ساعت هشت شبان حمله را بطور موقت دفع کنند، آنها توانستند عده ای از عراقیها را بکشند و عده ای را نیز دستگیر کنند. تا گتیک نیروهای عراقی بدین شکل بوده است که پس از عبور از رودخانه کارون، در فاصله ۱۰-۱۵ کیلومتری شمال شرقی آبادان - که دو هفته پیش صورت گرفته بود - پس از اینکه نتوانستند از طریق پل ایستگاه هفت و دو آ زده بداخل شهر وارد شوند، با دورزدن جاده در محور آبادان - ماهشهر مقابل گورستان نو، در آن سوی رودخانه بهمنشیر مبادرت به زدن پل کرده اند و نیروهای خود را در بیا با نهی واقع در جنوب آبادان یعنی در حوالی قبرستان نو پیا پیاده کرده اند. با احتمال زیاد علی رغم قلع و قمع نیروهایشان در این سوی رودخانه که امروز صورت گرفت بقیه نیروهایشان را در آن سوی رودخانه نگه داشته اند.

### ۱۰ آبان

امروز صبح نیز نبرد در حوالی قبرستان نو ادامه دارد و نیروهای دولتی در حال پاکسازی منطقه نفوذ نیروهای عراق در مناطق کوی دوالفقاری و قبرستان نو هستند و مواضع بقیه نیروهای عراقی را در آن سوی رودخانه بهمنشیر زیر آتش گرفته اند. چنانچه نیروهای ضد خلقی عراقی بتوانند قوای خود را در آن سوی رودخانه حفظ نموده و مجددا مواضع خود را در این سوی رودخانه استحکام بخشند و سلاحهای سنگین خود را مستقر کنند وضعیت آبادان بیش از پیش خطرناک خواهد شد. مردم امروز شبان بیشتری برای خروج از شهر نشان میدهند ولی بعلمت همین درگیری ها، راه آبادان به ماهشهر بسته است و اتومبیل ها در پشت پل ایستگاه هفتم صف کشیده اند. اگر راه باز شود عده زیادی از مردم شهر را تخلیه خواهند کرد.

امروز عصر بعلمت اصابت خمپاره به ادا ره حمل و نقل واقع در پالایشگاه آبادان سه تن از کارگران شهید شدند. امروز چند نقطه دیگر در پالایشگاه آبادان در اثر شلیک خمپاره های ارتش ضد خلقی عراق با آتش کشیده شد. دود و آتش غلیظی فضای پالایشگاه را فرا گرفته است.

### دزفول

۶ آبان

بعد از حمله موشکی وحشیانه رژیم عراق به دزفول که دو روز پیش صورت گرفت

# اخبار جنگ

امروز شهر آرام است. بجز تعدادی گبه جسدشان پیدا نشده بقیه شهدای این جنایت را بخاک سپرده اند. تعدادی از مردم با خانواده هایشان از شهر بیرون میروند.

### ۷ آبان

شهر می رود که حالت عادی خود را باز یابد. از دورب از اطراف شهر شوش - صدای توپخانه ارتش عراق شنیده میشود.

### ۸ آبان

حدود ساعت یک و نیم بعد از ظهر، چند نقطه ای شهر هدف گلوله های خمپاره قرار گرفت. در این حادثه یک نفر کشته و دو نفر مجروح شدند. امروز مردم خود را برای شرکت در مراسم بزرگداشت هفتمین روز شهدای خمله موشکی آماده میکنند. از حدود ساعت دو مردم روانه قبرستان میشوند. در این جمع افرادی بودند که ۹ و یا حتی هیجده نفر از افراد خانواده و فامیل خود را از دست داده اند. جوغم انگیزی بر محیط قبرستان حاکم است. بهشتی نیز به قبرستان آمده و میخواهد سخنرانی کند اما قبل از سخنرانی مردی با چشمان قرمز و خون آلود بفرش می دود و فریاد میزند: ما برای سرمایه داران شهید نداده ایم، ما مردم فقیری هستیم و حتما خودمان حق خود را میگیریم. احتیاجی به سخنرانی شما نداریم "جمعیت حاضر در قبرستان نیز حرفهای او را تائید کردند.

عده زیادی از اهالی دزفول شبها به زیرزمین ها میروند و آنها که امکاناتی دارند شبها باخارج از شهر میروند و صبح بازمیگردند. با اینکه دزفول دوبار مورد حمله موشکی قرار گرفته است و هر بار دهها نفر شهید شده اند، درصد کمی از مردم شهر را تخلیه کرده اند. یکی از اهالی شهر در مورد عدم تخلیه شهر می گوید: مردم دزفول اکثر مردمی زحمتکش هستند و امکانات مالی زیادی ندارند که بتوانند از شهرشان خارج شوند، شهر های اطراف دزفول هم مناسب آنها نیست زیرا پامثل اهواز تخلیه شده اند و یا مثل شوش و... بسیار شلوغند و عملا جایی برای دزفولی ها باقی نمانده. جایی برای رفتن ندارند. فقط عده کمی که وضع مالی شان بهر تاساست توانسته اند شهر را ترک کنند."

### سوسنگرد

۱۰ آبان

در جاده نزدیک پنج کیلومتری سوسنگرد تانک های آتش کشیده شده قرار دارند. در سوسنگرد وضع تقریباً عادی است. در شهر تردد زیاد است. تقریباً نیمی از مغازه ها باز است و تنها چیزی که وضع شهر را بنظر تیک تازه و آزد بصورت یک شهر جنگی نشان میدهد حضور سربازان و پاسداران در شهر است.

## محا کمه محمد رضا سعادت بیانگر...

بقیه از صفحه ۱۶

نیروهای انقلابی خوش خدمتی خود را با میریالیسم نشان دهد. محاکمه سعادت در یک دادگاه غیر قانونی بسبک دادگاههای آریا مهری و مطالبی که او در دفاعیات خود مطرح کرد، برده از چهره کریه و فریب کار جمهوری اسلامی و سیاستهای آن بر میدارد. هنوز توده های قهرمان مین ما، شکنجه های فرزندان خلق را در شکنجه گاه های ساواک بدست جلادان مزدور فراموش نکرده اند، و هنوز خیمه شب بازی های بیدادگاههای فرمایشی رژیم جلاد شاه و اعدام فرزندان خلق فراموش نشده است که توده های مردم یکبار دیگر با شنیدن دفاعیات سعادت با حقایق تکان دهنده ای روبرو می شوند. آنها می بینند که دوباره بساط پرونده سازی از طریق شکنجه آغاز شده و بجای تهرانی ها، عضدی ها، حسین زاده ها، حسینی ها و رسولی ها، این جلادان ساواک، ماشا الله قصاب و امثال او تکرار گرفته اند، که همان شیوه های ساواک را برای پرونده سازی علیه انقلابیون بکار می گیرند.

گویا هیئت حاکمه از سرنوشت ننگین رژیم مزدور شاه پندنگرفته است که برای سرکوب انقلابیون بهمان شیوه های آریا مهری متوسل می شود.

هیئت حاکمه باید بداند، اگر رژیم مزدور شاه با شکنجه و محاکمه فرزندان انقلابی خلق توانست چند صباحی به حکومت ننگین خود ادامه دهد، آنروز توده های مین مادر نا آگاهی و بیخبری بسرمیبرند، اما امروز زحمتکشان مین مادر آن حد آگاهی قرار دارند که دیگر اجازه ندهند، رژیم جمهوری اسلامی بنام "مردم" بنام "عدالت و اسلام" و بنام "انقلاب" همان جنایاتی را مرتکب شود که حکومت مزدور شاه مرتکب می شد.

حدود هشت کیلومتری جاده اهواز - سوسنگرد تعدادی گلوله "خمسه - خمسه" منفجر شد ولی بکسی آسیبی نرسید. تانک ها و جیب های نیروهای ایرانی که حامل ضد تانک هستند در سمت راست جاده اهواز سوسنگرد قرار دارند. سربازان زیادی بصورت نامنظم کنار این تانکها نگهبانی میدهند.

روی زمینهای کشاورزی که اکنون شخم زده شده و احتمالاً بذر پاشیده شده، تعدادی تانکها و خودروهای سوخته شده وجود دارد. از اینها گذشته مردم ناحیه وضعشان نسبتاً عادی است. و مشغول کار کشاورزی هستند زنها هم مثل همیشه بوته های خار بر سر دارند و همراه با بچه هایشان با پای برهنه روانند.



# رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



# اخبار جنگ

آبان

آبادان

که از ناحیه دست تیرخورده است میگوید قصد داشتند از جاده خاکی به ماهشهر بروند که در بین راه توسط نیروهای عراقی هدف قرار میگیرند و در جاده سه تن کشته و چند نفر مجروح شده اند. بنظر میرسد جاده جدیدی که پس از استقرار نیروهای عراقی در چند کیلومتری آبادان تنها راه ارتباطی آبادان و ماهشهر را تشکیل میداد غیر قابل اطمینان شده است.

آبان

امروز صبح ساعت ده و نیم به یکبارہ رادیونفت ملی اعلام نمود که هم اکنون درگیری سختی بین نیروهای خودی و نیروهای عراقی در بیابانهای اطراف قبرستان نود در جریان است و شتاب زده از مردم خواست که خود را به مساجد معرفی کنند. انتشار این خبر باعث هراس و اضطراب مردم شد. مردم گنج شده بودند و از خود میپرسیدند که عراقی ها از کجا وارد شهر شده اند؟ جنب و جوشی در بین مردم شهر و نیروهای سیاسی مستقر در شوراها و دفاع محلی بوجود آمده است.

مردم و نیروهای سیاسی برای گرفتن اسلحه به مساجد میروند اما آنجا راست و کورمی یابند، اصلا مثل اینکه خبری نیست. گفته میشود که فقط مسجدی واقع بقیه در صفحه ۱۵

بازار کفیشه که در مرکز آبادان قرار دارد محل تهیه ما یحتاج مردم زحمتکشی است که در نواحی کوی کارگر، میدان طیب، بازارگان و چند محله زحمتکش نشین دیگر زندگی میکنند. فروشندگان خلق عرب نیز محصولات خود را نظیر لبنیات، سبزی و میوه در این بازار بفروش میرسانند. قبلا صبحها، در این بازار جمعیت موج میزد ولی این روزها خیلی خلوت و سوت و کور بنظر میرسد. آن جوش و خروش همیشگی از بین رفته است و فقط افرادی که هنوز آبادان را ترک نکرده اند برای خرید باین بازار مراجعه میکنند. زن عربی که ما است میفرود شد در جواب اینکه چرا ما است اینقدر گران شده است؟ میگوید: این روزها علف گران شده و کسی هم نیست که از ش علف بخیرم برای گاوها و در پاسخ این سوال که چرا تا حالا در شهر مانده آید میگوید "ما گا و داریم و از این راه نان میخوریم و نمیتوانیم گاهایمان را ول کنیم، از این جا کجا برویم؟ جسی بخوریم؟ کجی پول بمانده؟..."

در بیمارستان شرکت نفت، بخش مخصوص مجروحین جنگ، بقیه بخش ها را تخلیه کرده اند، مجروحینی راهم که احتیاج به ادامه معالجه دارند، بعد از کارهای فوری و درمان های ضروری به ماهشهر منتقل میکنند. تک تک اور

## محاكمه محمد رضا سعادتى بیانگر ماهیت ضد انقلابی هیئت حاکمه است

سرانجام با گذشت یکسال و نیم از دستگیری محمد رضا سعادتى عضو سازمان مجاهدین خلق ایران، توسط کمیته وابسته به جاسوسخانه آمریکا، محاکمه وی در دادگاه عدل اسلامى آغاز شد.

محمد رضا سعادتى که مدت هفت سال در دست دژ خیمان آریا مهری اسیر بود با اوج گیری مبارزات توده های مردم و بدست توانای آنها از زندان آزاد شد. اما هنوز چند ماهی از قیام نگذشته بود که در اردیبهشت ماه ۵۸ توسط افراد کمیته مستقر در جاسوسخانه آمریکا رسیده شد و اکنون همزمان با تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر آزادى جاسوسان آمریکائى با آنها مواضع واهی و ساختگی بیای میز محاکمه کشیده شده است.

همزمانی تشکیل دادگاه محمد رضا سعادتى و محاکمه کشیدن او با آزادى جاسوسان آمریکائى، کمترین تردیدی باقی نمیگذارد که هیئت حاکمه برای اینکه حسن نیت خود را با مپریالیسم آمریکا نشان دهد نه تنها تصمیم به آزادی جاسوسان آمریکائى گرفتند است بلکه در همان حال می کوشد با محاکمه

بقیه در صفحه ۱۵

قسمتی از:

## پیام خانواده فدائی شهید مصطفی شمس الدینی که بر مزار او خوانده شد

و امکانات خود از حقوق این خلق بپا خاسته و آزاد بخواه دفاع نمایند و کردستان را سنگر شرف و آزادی سازند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که موضعی انقلابی دارد در راه مبارزه در جهت تامین و دفاع از خواسته های خلق با تمام امکاناتی جزئی که در اختیار داشت به مبارزه در برابر اشغالگران برخاست و شهید تقدیم کاروان پرافتخار شهیدان کردستان کرد که یکی از آنها کاک مصطفی بود که سنگر مقاومت و مبارزه را ترک نکرد و دین خودش را نسبت به خلقش ادا کرد. امیدواریم راه خونین کاک مصطفی و رفقايش را ادامه داده و همه ما و تمام همزمانش راهش را ادامه بدهیم چونکه راه خدمت به خلق است.



توده های زحمتکش داشت و همگام با توده ها در قیام هراسری ملت ایران شرکت جست و بعد از نیام نیز در صفوف پیشمرگان دلیر کردستان پیوست، او برای خدمت به خلق و به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و برای رفقای زحمتکشان و حقوق آزادی رفته خلقش جهت اسیر ساخت و در این راه مقدس، راه مبارزه در جهت بدست آوردن منافع خلق شهید شد، امروزه در شرایطی که رژیم با اصطلاح اسلامی و ارتش و جاس و با تشاداران خود فروخته کردستان را اشغال کرده و به سرکوب و قتل و عام توده های زحمتکشی خلق کرد دست زده اند و هزاران نفر بی دفاع را شهید کرده و هزاران خانواده را بی پناه و هزاران خانه را خراب کرده اند، وظیفه همه انسانهای آزادیخواه و تمام سازمانها و نیروهای خلقی است که با تمام وجود

درود و سلام بی پایان به روان پاک همه شهیدان بخون خفته کردستان به مناسبت چهلمین روز شهادت کاک مصطفی در اینجا گردهم آمده ایم تا یادش را گرامی داریم و برفدا گاریها و غنا زبهايش ارج نهیم. کاک مصطفی همچون فرماندهان جسور و بی باک در برابر ظلم و ستم دشمن خلقش ایستادگی کرد و مبارزه بی امان و خلیل نابدرش را بر علیه دشمنان خلقش ادامه داد و راهی را که راه کاک سلیمان معنی، ملا آواره و هزاران شهید بخون خفته کردستان و سراسر ایران بود در پیش گرفت و با خون سرخ خود تاریخ سراسر خونین مبارزات کردستان را رنگین تر کرد، کاک مصطفی در تال ۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش دیده به جهان گشود و از کودکی بارنج و زحمت و محرومیت آشنا شد، برای همین بود که ایمان زینادی به

## نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش